

پیام نوروزی سازمان فدائیان (اقلیت)

به

کارگران، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی ایران

گفتگوی نشریه کار با

رفیق پروین نیک آئین عضو کمیته اجرائی سازمان

در مورد جنبش زنان

صفحه ۲

یاد جان باخته گان فدائی همواره زنده و جاود خواهد ماند

بشریت علیه نظام طبقاتی به وقوع پیوسته و گستردگه ترین جنبش های طبقاتی کارگران در مقیاسی جهانی برای برآنداختن نظام طبقاتی سرمایه داری و ایجاد جامعه ای که در آن استثمار، ستم، نابرابری اجتماعی، سیاسی، جنسی و نژادی ریشه کن شده باشد، شکل گرفتادن. در همین دوران است که پاسداران نظام طبقاتی نیز بیرون از جهان ترین و وحشیانه ترین جنگها را علیه جنبش های کارگری و کمونیستی برآوردند. و با سرکوب های دد منشانه، میلیونها مدافع سوسیالیسم را در سراسر جهان کشتار کردند. تاریخچه سازمان ما نیز به عنوان یک سازمان کمونیست گواهی روشن براین حقیقت است.

صفحه ۵

چرا دستمزد ها طبق خواست کارگران اضافه نمی شود؟

رژیم جمهوری اسلامی، امسال نیز همچون سال گذشته تا آنجا که توانست، موضوع افزایش دستمزدهای کارگری را تعمداً به سکوت برگزار نمود. جنجال جناح های حکومتی، سرو صدای تبلیغاتی و کشمکش آنها برسر قدرت و کسب کرسی های مجلس، به دولت کمک کرد تا موضوعی راکه برای کارگران به یک امر حیاتی تبدیل شده است، به فراموشی بسپارد و از کنار آن بگذرد. هم اکنون نیز با وجود آنکه کمتر از سه هفته به پایان سال مانده است، هیچ نشانی از افزایش دستمزد ها آنطور که کارگران خواهان آند و یا به میزانی که کارگران لاقل بتوانند با آن معیشت خود و خانواده ها

صفحه ۶

انتخابات مجلس ششم، نتایج و چشم انداز

جمهوری اسلامی در جریان انتخابات مجلس ارجاع اسلامی با یک شکست سیاسی و اخلاقی دیگر روپرور شد. این انتخابات عربان ترا از هر زمان دیگر فرمایشی و قلابی بودن انتخابات را در حکومت اسلامی نشان داد. تظاهرات و اعتراضات مردم به تقلب های انتخاباتی، تظاهرات ضد دولتی مردم شهرهای شوش و شادگان که به قتل هشت نوجوان و تعدادی زخمی انجامید، تجمعات و راه پیمایی ها در برخی دیگر از شهرهای خوزستان، درگیری های جناح ها و تظاهرات در بروجن، شهرستان سلسله، ارومیه و تعدادی از مناطق دیگر، درگیری های مسلحه در کازرون، همگی یک شکست و رسواشی برای تمام جناحهای هیئت حاکمه و کل رژیم محسوب می شوند. اکنون دیگر این رسواشی سیاسی به آنچا کشیده که جناحهای هیئت حاکمه نیز یکدیگر را متمم به تقلب و رای سازی در انتخابات میکنند. ماجراجوی رفسنجانی و کشمکش جناحها برسر رود یا حذف او تا این لحظه که ۱۵ روز از انتخابات گذشته است ادامه دارد و ظاهرا برای چندمین بار تعادی از صندوقها بازشماری شده اند. گروهی از اطرافداران خاتمی می گویند، هاشمی رفسنجانی حد نصاب لازم را برای انتخابات به دست نیاورده و آراء قلابی به حساب وی گذاشته شده است. گروهی دیگر از اطرافداران همین جناح می گویند و زارت کشور به نفع طرفداران خاتمی آراء قلابی به صندوق ها ریخته است. وقتی که جناحهای هیئت حاکمه در تهران و شهرستانها یکدیگر را متمم به تقلب در انتخابات می کنند، و قلابی بودن انتخابات را در همه جا جاری می نمایند، دیگر نیازی نیست که مخالفین رژیم، ماهیت رسواش این انتخابات را برملا کنند. جناح های رژیم هم اکنون آشکارا آنرا اعلام کرده اند. از همین واقعیت میتوان در مورد تعداد شرکت کنندگان در این انتخابات قضاویت کرد.

از مدتیها پیش از انتخابات، همه جناحهای هیئت حاکمه و اطرافداران داخلی و بین المللی آنها، با بیماران تبیغاتی مردم، از سرنوشت ساز بودن انتخابات سخن گفتند و مردم را به پای صندوقهای رای فراخوانند. طرفداران خاتمی ادعایی کردند که از حدود ۲۹ میلیون (۳۸۶ هزار و ۷۲۶) واحدین شرایط

صفحه ۲

در این شماره

- | | |
|---|-------------|
| اعتراف کارگران به مصوبه ضد کارگری مجلس شورای اسلامی | صفحه ۱۶ |
| برخورد دولت شوراهای به مسئله زن | صفحه ۱۳ |
| هزار کودک خیابانی در تهران | صفحه ۱۰ |
| گزیده ای از نامه های رسیده | صفحه ۳ |
| خبری از ایران | صفحه ۹ |
| خبر کارگری جهان | صفحه ۱۱ |
| اطلاعیه ها | صفحه ۲ و ۱۵ |

مبارک باد

۸ مارس روز جهانی زن

صفحه ۴

اطلاعیه مشترک

انتخابات و انتخابات کارگری گسترش می‌یابد!

کارگران و زحمتکشان ایران! به دنیا انتخابات و انتخابات وسیع کارگری در هفته‌های گذشته، از روز یکشنبه سوم بهمن ماه، کارگران بافتاز اصفهان، سوله سازی لرستان، ریسندگی کاشان، پالایشگاه اراک، کارگران سپتادراهوار، کارگران اخراجی و بازخیرید شده شهرداری تهران و کارگران قراردادی پتروشیمی بندرشهرآبپور نیز با اقدام به انتخاب و راه پیمایی و تجمع در برابر کارخانه ها و ادارات دولتی، خواستار افزایش مستمردها، پرداخت حقوق و مزایای معوقه و بهبود شرایط کار و زندگی خود شده‌اند. چند روز پیش نیز کارگران کشت وصنعت لرستان، کارگران خوزرخ تنکابن مجدداً دست به انتخاب و انتراض زده‌اند.

اکنون مدت‌هاست که کارگران کارخانجات و موسسات تولیدی در سراسر کشور از طریق تظاهرات، انتخابات و اشکال دیگر مبارزه، خواهان پرداخت حقوق و مزایای معوقه، تضمین شغلی، توقف اخراج های دسته جمعی و بهبود شرایط کار و زندگی خود هستند.

در شرایطی که اوضاع زندگی کارگران روز به روز وخیم تر می‌شود و فشارهای اقتصادی، تضییقات سیاسی و مشکلات اجتماعی حیات و ممات میلیونها کارگر و زحمتکش را با تهدید جدی مواجه ساخته است، مافیا مالی، سرمایه داران، دلالان و تاجران و سایر انگل های اجتماعی و نویشمندی های رژیم، با حرص و لوع وصف نایبپذیری ثروت‌های ملی و شده دسترنج کارگران را به یغما برده و بین خود تقسیم می‌کنند. در عین حال پرداخت حقوق و مزایای کارگران را ماهها به تعویق میاندازند، کارگران را دسته دسته اخراج و اجرا باز خردیمکنند و از تحریب و تشکل آنها نیز جلوگیری بعمل می‌آورند.

در حالیکه کارگران از اوضاع و خاتمه بار کوتولی و تشدید فشار و استیمار سرمایه داران به تنگ آمدند و برابر تحقق مطالبات برجخ خود دست به انتراض و مبارزه میزند، جمهوری اسلامی و رسانه های وابسته به آن تلاش میکنند تا با عدم کدن نزاع چنانچهای حکومتی و بزرگ نهانی «انتخابات مجلس» مبارزات و مطالبات کارگری را تحت الشاعر قاره‌دهند و با استفاده از ابزار فرب و سرکوب، صدای جنبش کارگری را در گلو خنک کنند.

در برابر این تلاشها و در مقابل دسانس و سروکوبگیریهای قدرتمندان اقتصادی و سیاسی حاکم، تنها قدرت متشکل و متعدد کارگران است که میتواند سرمایه داران و مرتजعین را عقب باند و ضامن پیروزی کارگران باشد. ما کارگران سراسر کشور را به اتحاد و تشدید مبارزه علیه جمهوری اسلامی فرامیخواهیم. در مقابل قدرت متعدد شما کارگران هیچ قدرتی را یاری مقابله نیست.

ما ضمن حیات از همه مطالبات کارگری منجمله خواست افزایش مستمردها، پرداخت حقوقهای معوقه، توقف اخراجها و بهبود شرایط کار، کارگران پیشو و حمه غافلین جنبش کارگری را به تلاش برای متعدد ساختن انتخابات و انتخابات کارگری و بریانی تشكیلهای مستقل کارگری فرا میخواهیم.

ما همه احزاب، تشکلها و پیروهای مبارز و انقلابی را به تلاش مجدهان درجهت پخش اخبار مبارزات جنبش کارگری و کسب حمایت احزاب و تشکلها کارگری سراسر جهان از مبارزات کارگران ایران فرامیخواهیم.

پیروز با مبارزات کارگران

سنگونی باد رژیم جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم
اتحاد فدائیان گمیشت - حزب گمیشت ایران
سازمان فدائیان (اقایت) - هسته اقایت
۲۴ / بهمن - ۷۸ / ۱۳ - ۴۰۰ / فوریه

انتخابات مجلس ششم،

نتایج و چشم انداز

پنجم درصد بسیار کمتری شرکت کننده وجود داشته است. ارقام اعلام شده رسمی دولتی می‌گوید که در انتخابات مجلس پنجم حدود ۲۵ میلیون نفریعنی (۷۸/۵ درصد) کسانی که حق رای داشته‌اند، در صد شرکت کرده اند و اکنون ۶۸/۸ در صد شرکت کرده اند که کاهش ۱۰ درصدی را نشان می‌دهد. هرچند که ما می‌دانیم آمار و ارقام اعلام شده در مورد مجلس پنجم و ششم هردو قلابی هستند و نه واقعی، اما همین ارقام رسمی نیز شکست دیگری برای رژیم محسوب می‌شوند.

از این آمار و ارقام چه نتیجه‌ای میتوان گرفت. نه آمار ۷۸/۵ درصدی شرکت مردم در انتخابات مجلس پنجم و نه ۶۸/۸ درصدی مجلس ششم، هیچ یک نمی‌تواند این واقعیت را پوشیده بدارند که اکثریت عظیم مردم ایران هیچ توهیمی به رژیم جمهوری اسلامی و نهادهای ان ندارند و خواهان سرنگونی آن هستند. اگردر فاصله مجلس پنجم تا ششم برغم ادعای رژیم مبنی بر شرکت ۷۸/۵ در صد مردم در انتخابات مجلس، ما شاهد انتخابات، تظاهرات، ریاست‌جمهوری و قیام های پیمانی ها، تحصین ها، شورش ها و قیام های متعددی برابر برافکنند حکومت هستیم، اعلام ۶۷۰ هزارنفری از داده‌اند. اگر آراء قلابی ریخته شده به صندوق ها و رقم سازی های وزارت کشور را در نظر نگیریم و اگراین واقعیت را هم مد نظر قرار ندهیم که مطابق اظهار نظر رسمی ثبت احوال حاصل ۳ میلیون شناسنامه باطل نشده وجود دارد که در دست عوامل رژیم اند و یا در این مقطع خرید و فروش می‌شوند، بازهم رقمی در حدود ۱۳ میلیون نفر از مردم ایران یعنی بربط همان آمار رسمی، یک سوم در انتخابات شرکت نکرند. اما شاخص مهم ترنرفت مردم از رژیم و انتخابات فرمایشی آن، عدم شرکت حدود نیمی از مردم تهران دراین رای گیری بود. وزارت کشور اعلام نمود که در تهران کمترین تعداد یعنی رقمی در حدود ۵۷ درصد در انتخابات شرکت کرند.

این عدم شرکت مردم تهران در انتخابات مجلس ارتجاع، شاخص بسیار مهمی است. این را می‌دانیم که در تهران تنها مناطق مرتفع نشین یک پارچه در انتخابات شرکت کرند و به نفع کاندیداهای گروه های دوم خردای رای دادند. عوامل و کارگزاران دستگاه عربیش و طویل دولت نیز به نفع این یا آن جناح شرکت کرند و تنها درصد بسیار کمی از توده مردم به علت ناآگاهی یا توهم پای صندوق رای گیری حاضر شدند. باقیمانده که حدود نیمی از جمعیت تهران را تشکیل میدهند، عدتاً کارگران و زحمتکشان بودند که انتخابات را تحريم کردند. این نشان می‌دهد که توده زحمتکش مردم تهران، نه تنها هیچگونه توهیم به رژیم و جناحهای آن ندارند، بلکه نفعی در گزینش بد و بدتر هم نمی‌بینند.

این درحالی است که هنوز درمناطق عقب مانده دیگر است. یعنی تعداد اندکی از مردم بویژه جوانانی که فاقد تجربه سیاسی اند، به خانمی و جناح اموتهم هستند و بخشنی از مردم میان بد و بدتر، بد را انتخاب میکنند. البته بحث مادر اینجا مربوط به توده مردم است و نه آنهاشی که آگاهانه به پای صندوق رای رفتند. بورژوازی ایران، خرده بورژوازی مرتفه و ارتشی از عوامل و کارگزاران رژیم که جبره خوار حکومت اسلامی هستند، اینها آگاهانه و به خاطر منافع طبقاتی شان و دشمنی شان با انقلاب و توده کارگر و زحمتکش به پای صندوق های رای رفتند.

در هرحال اگر به آمار رسمی استناد کنیم ۶۸/۸ در صد در انتخابات شرکت کرند و اگر قرار است به همین آمارهای رسمی استناد کنیم در انتخابات مجلس ششم در مقایسه با مجلس

حق رای، دست کم ۲۵ میلیون در انتخابات شرکت می‌کنند. فردای رای گیری، سران رژیم پیامهای تبریک رد و بدل کردن تا چنین وانمود کنند که این انتخابات با استقبال وسیعی روپوشده است. وزیرکشور راولین اظهار نظر خود از رقم ۳۵ میلیون اندکی پائین آمد و ادعا کرد که ۲۲ میلیون نفر از مردم ایران در انتخابات شرکت کرده اند. اما گویا آراء قلابی صندوق ها نیز به پایه این رقم نرسید، تا این که سرانجام به رقم کمتری رضایت دادند و اعلام کرند که ۲۶ میلیون و ۶۷۰ هزارنفری از داده‌اند. اگر آراء قلابی ریخته شده به صندوق ها و رقم سازی های وزارت کشور را در نظر نگیریم و اگراین واقعیت را هم مد نظر قرار ندهیم که مطابق اظهار نظر رسمی ثبت احوال حاصل ۳ میلیون شناسنامه باطل نشده وجود دارد که در دست عوامل رژیم اند و یا در این مقطع خرید و فروش می‌شوند، بازهم رقمی در حدود ۱۳ میلیون نفر از مردم ایران یعنی بربط همان آمار رسمی، یک سوم در انتخابات شرکت نکرند. اما شاخص مهم ترنرفت مردم از رژیم و انتخابات فرمایشی آن، عدم شرکت حدود نیمی از مردم تهران دراین رای گیری بود. وزارت کشور اعلام نمود که در تهران کمترین تعداد یعنی رقمی در حدود ۵۷ درصد در انتخابات شرکت کرند. این عدم شرکت مردم تهران در انتخابات مجلس ارتجاع، شاخص بسیار مهمی است. این را می‌دانیم که در تهران تنها مناطق مرتفع نشین یک پارچه در انتخابات شرکت کرند و به نفع کاندیداهای گروه های دوم خردای رای دادند. عوامل و کارگزاران دستگاه عربیش و طویل دولت نیز به نفع این یا آن جناح شرکت کرند و تنها درصد بسیار کمی از توده مردم به علت ناآگاهی یا توهم پای صندوق رای گیری حاضر شدند. باقیمانده که حدود نیمی از جمعیت تهران را تشکیل میدهند، عدتاً کارگران و زحمتکشان بودند که انتخابات را تحريم کردند. این نشان می‌دهد که توده زحمتکش مردم تهران، نه تنها هیچگونه توهیم به رژیم و جناحهای آن ندارند، بلکه نفعی در گزینش بد و بدتر هم نمی‌بینند.

این درحالی است که هنوز درمناطق عقب مانده دیگر است. یعنی تعداد اندکی از مردم بویژه جوانانی که فاقد تجربه سیاسی اند، به خانمی و جناح اموتهم هستند و بخشنی از مردم میان بد و بدتر، بد را انتخاب میکنند. البته بحث مادر اینجا مربوط به توده مردم است و نه آنهاشی که آگاهانه به پای صندوق رای رفتند. بورژوازی ایران، خرده بورژوازی مرتفه و ارتشی از عوامل و کارگزاران رژیم که جبره خوار حکومت اسلامی هستند، اینها آگاهانه و به خاطر منافع طبقاتی شان و دشمنی شان با انقلاب و توده کارگر و زحمتکش به پای صندوق های رای رفتند.

در هرحال اگر به آمار رسمی استناد کنیم ۶۸/۸ در صد در انتخابات شرکت کرند و اگر قرار است به همین آمارهای رسمی استناد کنیم در انتخابات مجلس ششم در مقایسه با مجلس

گزیده ای از نامه های رسیده

توضیح کوتاهی برستون گزیده‌ای از نامه های رسیده

رفا و دوستانی که برای ما نامه می نویسند، چنانچه مایل نیستند نام آنها در نشریه کار آورده شود، توجه داشته باشند که خودشان این موضوع را در نامه قید کنند. عدم تذکر این مسئله، بمعنی عدم مخالفت نویسنده نامه با درج نام خود در نشریه کار میباشد و در این صورت نشریه کار نسبت به درج نام نویسنده تصمیم میگیرد.

تحریریه کاردرگزیش نامه ها برای درج در نشریه کار و کوتاه کردن آنها مجاز است.

نشریه کار این اختیار را دارد که قسمت یا قسمت هایی از نامه های رسیده و همچنین یادداشت هایی را که

از تشکلهای دمکراتیک دریافت میکنند، انتخاب کرد و آنرا بچاپ برسانند. درج این مطالب، لزوماً بمعنی تائید مواضع نویسندهان نامدو یا تشکلهای نمیباشد.

از همه رفاقت دوستانی که برای ما نامه مینویسند درخواست میکنیم نامه خود را اگر تایپ نمیکنند، با خط خوانا بنویسند. تاریخ ارسال و نام خویش را در نامه قید کنند و آدرس فرستنده را نیز با حروف درشت و در هر حال بطور خوانا بنویسند. با تشکر قلبی

باکو : از باکو نامهای با امضاء (ح.د.) به دستمنان رسیده است که در آن از جمله به وضعیت دشوار پناه‌جویان ایرانی در باکو اشاره شده و گفته شده است که مسئولین سازمان ملل در امور پناهندگی دفتر باکو، به پناه‌جویان ایرانی مراجعه کننده مقاضی پناهندگی، جواب رد داده شده است. در اعراض به این مسئله عتن از پناه‌جویان در محل "دفتر سازمان جوانان روشنفکر باکو" دست به اعتراض غذای نامحدود زند. در اطلاعیه های بعدی که از محل پناه‌جویان اعتراضی ارسال شده است، نسبت به تامین جانی پناه‌جویان و خطر باز گرداندن آنها به ایران، اظهار نگرانی شده است. مطالبات اعتمادیون به شرح زیر است: ۱- اعطای پناهندگی و انتقال به یک کشور امن ۲- ایجاد کمپ برای پناه‌جویان ۳- کمک مالی به پناه‌جویان و پناهندگان ۴- تامین امنیت جانی پناه‌جویان.

ما ضمن محاکوم کردن بی توجهی و بی مسئولیتی مسئولین دفتر (UN) در باکو نسبت به وضعیت پناه‌جویان ایرانی، از مطالبات آنها حمایت میکنیم.

آلمان : از یکی از شهرهای آلمان نامه ای با امضاء (Dina . Ch) برایمان فرستاده شده است. در این نامه که با اظهار تبریک به مناسبت کنفرانس هفتم سازمان همراه است، در برابر جمهوریهای نوع بورژوازی از "جمهوری شوراها" یعنی حاکمیت بدون قید و شرط کارگران و زحمتکشان "دفع شده است و در ضمن با اشاره به مباحثی شبیه، "هویت ملی"، "مردم سالاری" و امثال آن که از سوی جریانات بورژوازی مطرح میشود، در مورد خطر ایجاد "موجی از شوینیسم کور یا چیزدیگری شبیه به آن برای سرکوب مجدد کارگران و کشاورزان" از "فردای سرنگونی رژیم" هشدار داده شده

پیام نوروزی سازمان فدائیان (اقلیت)

به

کارگران، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی ایران

کارگران، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی!

سال ۷۸ با همه فراز و فرودهایش دارد به پایان خود نزدیک می شود. سبیر رویدادها در یک سال اخیر نیز به نحو غیر قابل انکاری بار دیگر این حقیقت را ثابت میکند که رژیم جمهوری اسلامی و جناح های آن، بنا به ماهیت ارتقابی شان، نه فقط نمی خواهند و نمی توانند گامی برای بهبود وضعیت اقتصادی و سیاسی به نفع اقشار زحمتکش و گرانی کمرشکن بلکه در برابر مطالبات فروی و آزادیخواهانه توهه های کارگر و زحمتکش می ایستند و با زور و سرکوب به آن پاسخ می دهند در یک سال گذشته، اوضاع اقتصادی و معیشتی کارگران و زحمتکشان به مراتب بدتر شد. برای صحبت این موضوع، تیازی به آمار و ارقام و وارد شدن به جزئیات نیست. حققتاً کدام کارگر و زحمتکشی هست که از تورم فزاینده و گرانی کمرشکن بی خبر باشد؟ آیا جز این است که قدرت خرید کارگران و زحمتکشان بیش از پیش سقوط کرده و سطح تعیش آنها بازم تنزل نموده است؟ آیا جز این است که روند توقف و تعطیل واحدهای تولیدی و روند اخراج ها و بیکارسازیهای وسیع ادامه یافته است و صدھارهار نفر دیگر بیکارشده یا در معرض بیکاری و بلاکلیفی قرار گرفته اند؟ مگر همین اوخر با تصویب طرح خروج کارگاههای کوچک از شمول قانون کار، زمینه اخراج و بیکاری صدها هزار کارگر دیگر را فراموش نساخته اند؟ مگر اینجافات مدلیدهای که از ناحیه قراردادهای موقت و سازمان تامین اجتماعی علیه کارگران و زحمتکشان اعمال شده است روش نیست؟ آیا جز این است در صدها کارخانه و موسسه تولیدی حقوق و مزایای کارگران را نپرداخته اند؟ آیا جز این است که وعده های بهبود اوضاع اقتصادی رژیم و دولت خاتمی تماماً پوچ از آب در آمده است و اوضاع اقتصادی و معیشتی توهه های مردم نسبت به سالهای گذشته وخیم تر شده است؟

باید درنظر داشت که وخیم تر شدن اوضاع به مسائل اقتصادی و معیشتی محدود نمی شود. اوضاع سیاسی نیز برغم وعده هایی که خاتمی داده بود و بر خلاف تبلیغات و بلندگوهای بورژوازی، چندان بهتر از اوضاع اقتصادی نبود. خلقان و زندان و سرکوب، مچنگان یگانه پاسخ کارگران مفترض و سایر آزادیخواهان و مخالفان سیاسی رژیم بوده است. روند حمله به مطبوعات و نویسندهان ادامه داشت و توقیف مطبوعات حتی تا روزنامه سلام هم تعیین یافت. علاوه براین، فاجعه کوی دشانگاه تهران و اقدامات خشونت باره سرکوبگرانه بعدی اعتراف کنندگان، دستگیری و جلس و شکنجه صدها تن از داشجویان و جوانان، بار دیگر از آزادیهای سیاسی در چارچوب «شع» و اسلام آقای خاتمی پرده برداشت و به عینه نشان داد که جناب های حکومتی سروته یک کرباسند و هرجا پای منافع حکومت اسلامی در میان باشد، برای حفظ این منافع و برای حفظ «امنیت» رژیم و نظم موجود، دست در دست هم، به هر جنایتی دست می زندن. از سوی دیگر، فراموشی خاتمی نسبت به پیگیری فاجعه کوی دشانگاه که ادامه فراموشکاری او نسبت به پیگیری پرونده قتل های سیاسی بود، پرونده وعده های دور غین و تخلی وی را قلعه رت ساخت و خاتمی مقتضع شده را مفتضخ تر کرد و در بیک کلام ماهیت فریبکارانه این مهره خوش خط و خال را که سودائی جنگات جمهوری اسلامی از مهلکه درس ندارد، روش تر ساخت.

کارگران، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی!

سالی که گذشت از همان اولین روزهای با موجی از تبلیغات پیرامون «انتخابات» مجلس توام بود. این انتخابات ضد دمکراتیک که طفدازان خاتمی آن را سرونشت ساز می خواندند و در جریان بروکاری آن وعده های میان تهی خود را تکرار می کردند به پایان رسید. شماری از کرسی های مجلس نصیب یک دسته از مرتعین شد و شمار دیگر نصیب مرتعین دیگر. باز تقسیم کرسی های مجلس ارتجاعی، به نفع مرتعین جناح خاتمی گرفت، اما مجلس جدید نیز برغم تبلیغاتی که دسته اخیر و حامیان بین المللی شان برای انداده اساساً چیزی را به نفع توهه های مردم زحمتکش عوض نخواهد کرد. چرا که تمام جناح های حکومتی، یک مشت مرتعین اند و همه آنها خواهان تقاو و دوام حکومت اسلامی و حفظ نظم موجودند. تجربه بیش از دو دهه حکومت اسلامی نیز غیر از این نبوده و این حقیقت را مسجل می سازد که نه جمهوری اسلامی و نه مجلس آن چیزی به کارگران و زحمتکشان نمی دهد. با وجود حکومت شورائی خود را مستقر نساخته اید، هیچ بهبود جدی در اوضاع اقتصادی و معیشتی و سیاسی به نفع شما و توهه مردم حاصل نمی شود. پس بدان امید که با تشدید مبارزات خود علیه مرتعین حاکم، کار رژیم جمهوری اسلامی را یکسره سازیم و بر ویرانه های آن زندگی و نظم نوینی را بنا کنیم، نوروز را به شما و همه مردم زحمتکش ایران تبریک می کوییم و به استقبال سال نو می رویم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی

سازمان فدائیان (اقلیت) - اسفند ۱۳۷۸

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

نشریه کار

بیست و دومین سال انتشار خود را به ایمان به پیروزی کارگران و زحمتکشان آغاز می کند!

گزیده ای از نامه های رسیده

است. این رفیق که خود شاهد شکل گیری و فعالیت شوراها و همچنین سرکوب آنها بوده است، در انتهای نامه خود به درج قطعه شعری پرداخته و چنین نوشته است "درپایان احساس قلبی خود را نسبت به شوراها بخون کشیده شده و همچنین تصمیم کفرانس هفت تقدیم میدارم" که ما ضمن تشكر و قدردانی این شعر کوتاه را بچاپ میرسانیم.



مبارک باد ۸ مارس روز جهانی زن

۸ مارس روز جهانی زن فرا رسیده است. ۸ مارس تجلی اعتقاد راسخ زنان به مبارزه علیه تبعیض جنسی و تلاش برای حصول به یک برابری واقعی با مرد است. نزدیک به یک قرن از هنگامی که پیشگامان جنبش رهانی زن، ۸ مارس را روز جهانی زن اعلام نمودند و مبارزه همه جابهای را برای کسب برابری حقوقی زن و مرد و برابری واقعی زن و مرد سازمان دادند، می‌گذرد. از آن زمان تا به امروز در نتیجه همین مبارزه، بهبودی نسبی در مقیاس جهانی در وضعیت زنان صورت گرفته و در تعداد زیادی از کشورهای جهان برابری حقوق اجتماعی و سیاسی زنان رسمی و قانونی نشان داده است. اما این فقط یک جنبه قضیه است در دنیاچی که از تعدد و پیشرفت، آزادی و حقوق بشر صحبت می‌شود، زنان هنوز در معرض تبعیض، بی حقوقی و ستم قرار دارند. حتی در کشورهایی که رسمی برابری حقوق زن و مرد پذیرفته شده است، این تبعیض، ستم و نابرابری خود را در عرصه های مختلف نشان میدهد. معهدها فاجعه و بربیت در آنجاست که در همین جهان کنونی در تعدادی از کشورها هنوز برابری حقوقی نیز به رسیت شناخته نشده است. کشورهای خاور میانه در این مورد نمونه‌اند. در این منطقه رژیم‌های فوق ارتقاوی و دولتها مذهبی در کشورهایی نظیر افغانستان، عربستان، کویت، امارات متحده و ایران نه تنها برابری حقوق زن و مرد را نمی‌پذیرند، بلکه زنان را از حق حیات نیز محروم کرده‌اند.

۲۱ سال است که رژیم ارتقاوی جمهوری اسلامی در ایران زنان را در معرض وحشیانه ترین تبعیض، ستم و بی حقوقی قرار داده است. تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، نه فقط زنان از حقوق برابری مردان محروم اند، بلکه زندگی خصوصی آنها نیز تحت کنترل رژیم پلیسی قرار دارد. در اینجا نهوده لباس پوشیدن و رنگ لباس را هم دولت تعیین می‌کند. رژیم جمهوری اسلامی پا را از این حد نیز فراتر نهاده و سیاست نژاد پرستانه جدا سازی را در مورد زنان به اجرا گذاشته است. این ستم و بی حقوقی زنان چنان ابعاد وحشتناکی به خود گرفته است که امروز حتی عقب مانده ترین زنان مذهبی وابسته به رژیم هم زبان به اعتراض گشوده‌اند. در این شرایط که اعتراض و مبارزه زنان ایران علیه تبعیض، ستم و نابرابری مداماً در حال کشتش است، دسته جاتی از درون هیئت حاکمه که خود در تحکیم تبعیض، ستم و نابرابری نقش داشته‌اند زنان ایران را به یک شهرور درجه دو تقلیل داده‌اند، حالا ادعای دفاع از زنان و حقوق آنها را می‌کنند. اما گذشته از این که زنان ایران این شیادان را خوب می‌شناسند، پوچ بودن ادعای آنها در همین مدت نزدیک به ۳ سالی که از دوران زمامداری خاتمی می‌گذرد، بازهم آشکار گردید و نشان داده شد که تحت حاکمیت جمهوری اسلامی هیچ بهبودی در وضعیت زنان متصور نیست. جرا که شرط مقدماتی هر بهبودلو اندک جدی در وضعیت زنان و تحقق مطالبات آنها، جدایی دین از دولت است و این جدایی جز از طریق سرنگونی جمهوری اسلامی ممکن نیست. سازمان فدائیان (اقلیت) که دشمن آشتبان پادشاه هرگونه ستم، استثمار، تبعیض، نابرابری و بی حقوقی است و برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری یک حکومت شورائی بعنوان وظیفه‌ای فوری مبارزه می‌کند، خواهان الاء فوری هرگونه تبعیض و نابرابری نسبت به زنان است.

هرگونه ستم و تبعیض بر پایه جنسیت باید به فوریت ملغأ کردد و زنان از حقوق کامل اجتماعی و سیاسی برابر با مردان بروخوردار گردند.

تمام قوانین و مقررات ارتقاوی مربوط به تعدد زوجات، صیغه، حق طلاق یکجانبه، تکفل و سرپرستی فرزندان، قوانین و مقررات تبعیض آمیز در مورد ارش، مقررات حجاب اجباری، جدا سازی زن و مرد در مؤسسات و مراکز عمومی و تمام مقررات و اقدامات سرکوبگرانه و وحشیانه نظری شلاق، سنجشار و غیره وغیره باید به فوریت ملغأ گردند.

هرگونه فشار، تحقیر، اجبار، اذیت و آزار و خشونت علیه زنان در محیط خانواده منع گردد و مجازات شدیدی در مورد نقض آنها اعمال گردد.

زنان باید از حقوق و مزایای کامل برابر با مردان در ازای کار مساوی بروخودارشوند.

زنان باید با آزادی و برابری کامل با مردان در تمام شون زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مشارکت داشته باشند و بتوانند به تمام مشاغل و مناصب در تمام سطوح دسترسی داشته باشند.

نتهایا مبارزه و سرنگونی جمهوری اسلامی است که میتوان این مطالبات فوری زنان را عملی ساخت. سازمان فدائیان (اقلیت) ۸ مارس را به عموم زنان زحمتش و همه کسانی که برای برابری زن و مرد و رهانی واقعی زن مبارزه می‌کنند تبریک می‌گوید.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - بوقرار باد حکومت شورائی

سازمان فدائیان (اقلیت) - ۱۳۷۸/۱۲/۱۵

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

جادا باد یاد کمون نخستین حکومت کارگری جهان

گزیده ای از نامه های رسیده

برایمان مشخص نشد. این دوست عزیز چنانچه مایل باشند میتوانند متن کامل نامه خود را مجدها برایمان بفرستند.

هلند - دوست بسیار عزیز، م، آدرس جدید شمارا دریافت کردیم. همچنین با قیمانده وجه مربوط به آبونه نشریه که فرستاده بودید، به دستمان رسید. همانطورکه خواستاید، نشریه را به آدرس جدید شما میفرستیم. پیروز باشید.

باکو - از سوی پناهجویان ایرانی در باکو که از مدقی پیش دست به اعتصاب غذا زده بودند، فاکسی با امضاء "کمیته اعتصاب غذا" برایمان فرستاده شده است. در این یادداشت از جمله آمده است "در مدت زمان اعتصاب غذا سازمانهای مدافعان حقوق بشر آذربایجان نیز اعتصاب کنندگان را مورد حمایت قراردادند" و سپس اضافه شده است که در پی درخواست پنج سازمان مدافعان حقوق انسانی مبنی بر این دادن به اعتصاب غذا، مشروط بر به عهده گرفتن و پی گیری مشکلات پناهجویان، اعتصاب کنندگان موقتاً به اعتصاب غذا پایان دادند. امضاء کنندگان همچنین ضمن اظهار قدردانی از سازمانها و نیروهای انقلابی که با ارسال نامه و فاکس های حمایتی به دفتر سازمان ملل از پناه جویان حمایت کرده بودند، با مبارزه این جریانها علیه جمهوری اسلامی، ابراز همراهی نموده اند.

آلمان - از هانوفر نامه کوتاهی با امضاء (ک. پ) همراه با مطلبی تحت عنوان "تکرار تناقضات پیشین" برای درج درستون مباحثات برایمان ارسال شده است. در رابطه با این نوشته، نویسنده چنین اظهار نموده است که "این مطلب در نقده قطعنامه کنفرانس سازمان در رابطه با شکست انقلاب سوسیالیستی در شوروی نوشته شده است". با پوزش از این رفیق عزیز، به دلیل کمبود جا مجبوریم در آن را به شماره های آینده نشریه موکول کنیم. پیروز باشید.

* - نامه ای با امضاء "هیئت بر گزار کنندگان کنفرانس دوم فعالین کمونیست جنبش کارگری" مورخ دوم فوریه دو هزار، به دستمان رسیده است. امضاء کنندگان این نامه کوتاه، توضیح داده اند که خبربرگزاری اولین "کنفرانس فعالین کمونیست جنبش کارگری" توسط نشریه "اطلس" "جع" شده است و در ضمن سردبیر این نشریه، از درج نامه اعتراضی آنها که به منظور "تصحیح" خبر مربوطه فرستاده اند، اجتناب نموده است. این دوستان، نامه اعتراضی خود را بعنوان "سند" برای ما نیز فاکس نموده و خواستار درج آن در نشریه شده اند. با پوزش از این دوستان، بعلت کمبود جا از درج نامه و سند ضمیمه آن در این شماره معذوریم و مجبوریم آنرا بعد موکول کنیم.

یاد جان باخته‌گان فدائی همواره زنده و جاوید خواهد ماند

مریم شاهی، مینا طالب زاده شوشتاری، فاطمه نهانی، عزت و فاطمه غروری، زهره مدیر شاند چی، گلرخ مهدوی، پوران یداللهی، قاسم سیاستی، بیژن جزئی، حسن ضیاء طریفی، عباس سورکی، سعید کلانتری، عزیز سرمدی، جلیل افسار، چوپان زاده در زمرة صدھا رفیق فدائی اند که به خاطر آزادی و سوسیالیسم نبرد کردن و جان باختند. اگر در دوران رژیم شاه چند صد تزار رفای ما به دست جلالان رژیم سلطنتی به قتل رسیدند، جمهوری اسلامی در بیرونی و قسالت و کشتار کمونیست ها و دیگر انقلابیون گوی سبقت را از رژیم شاه ربود و در این بیست و یکسال متجاوز از هزار تن از اعضاء و هواداران سازمان ما را به جوخر اعدام سپرد. ترور کرد و یار درگیری های نظامی به قتل رساند. هنوز چندروزی از سرنگونی رژیم شاه نگذشته بود که رژیم جمهوری اسلامی گروهی از فعالین سازمان را درگردستان اعدام کرد. تزور فعالین شورای ترکمن صحرا، رفای توماج، واحدی، مختار و چهار تن از هزار تن از اعضاء و هواداران را درگردستان اعدام کرد. چهار تن از هر برادران جنیش چرگانی را ترور کرد. دو برادر میرشکاری را اعدام نمود. دهها تن از فعالین سازمان را در شهرهای مختلف ایران ترور کرد و هنگامی که "اکثریت" به طبقه کارگر و توده زحمتکش خیانت کرد و "اقلیت" سنت پرافتخار فدائیان را در دفاع از آزادی و سوسیالیسم، دفاع از منافع طبقه کارگر و توده زحمتکش ادای داد، رژیم جمهوری اسلامی تا اواخر سال ۶۴ صدھا تن از فدائیان اقلیت را به جرم مقاع از آزادی و سوسیالیسم، دفاع از منافع طبقه کارگر به دهها تن از رزمدگان فدائی در رو در روئی مسلحان باز میوران رژیم به قتل رسیدند.

پاسداران حکومت الله با بیرحمی تمام دهها و صدھا تن از پیشوتروین کارگران ایران را که در صفوغ سازمان ما مبارزه میکردند، کشتار گردند. جهانگیر قله میاندوآب، مرتضی کریمی خیرالله حسنوی، جهانبخش سرخوش، ابردنی، احمد منابی، غلامرضا مولایی، نمونه دهها کارگری هستند که توسط دژخیمان رژیم به قتل رسیدند. جمهوری اسلامی شاعر و نویسنده در سازمان ما به جوخر اعدام سپرد. جمهوری اسلامی برجسته ترین رهبران و کارهای سازمان ما، رفای منصور اسکندری، احمد غلامیان لنگرودی (هادی)، محسن مدیر شاندی، نظام، سیامک اسدیان، محمد رضا بهکیش (کاظم)، اشرف بهکیش، ویدا گلی آبکناری (لیلا)، نفیسه ناصری (سترن)، متینه طالبی، توکل اسدیان، مسعود رحمتی، اور اعظمی، رشید حسنی، جعفر پنجه شاهی (خشایار)، قاسم سید باقری، داود مدائن، و دهها کادر برجسته سازمان را به جوخر اعدام سپرد و یاد رخیابانها به قتل رساند.

رژیم جمهوری اسلامی بیرحمی را تا به آنچه رساند که صدھا تن از هواداران سازمان را نیز صرفاً به جرم پخش نشیریات سازمان اعدام کرد. دهها تن از فعالین سازمان نیز در کشتار بیرحمانه تا بستان ۶۷ تیر باران شدند. این

از همان آغاز، هنگامی که گروهی از کارگران و روشنفکران انقلابی کمونیست ایران در سال ۱۳۴۹ موجودیت سازمان ما را با مبارزه خود برای آزادی و سوسیالیسم آغاز نمودند، رژیم شاه تمام دستگاه امنیتی، نظامی و پلیسی خود را برای سرکوب چریکهای فدائی بسیج نمود و نخستین گروه از فدائیان، رفقا جلیل افرادی، علی اکبر صفائی فراهانی، هادی بندۀ خدا - لنگرودی، احمد فرهودی، غفور حسن پور، اسماعیل معینی عراقی، محمد هادی فاضلی، ناصر سیف دلیل صفائی، اسکندر رحیمی، عباس دانش بهزادی، محمد علی محدث قندچی، شاعر الدین مشیدی و هوشنگ نیری را در سحرگاه ۲۶ اسفند ۱۳۴۹ به جوخر اعدام سپرد. پیش از این در نبرد سیاهکل، رفاقت مهدی اسحقی و محمد رحیم سمعایی در نبرد با مزدوران رژیم شاه جان باخته بودند. مرتعین می پنداشتند که با این ددمنشی و کشتار آتشی را که زبانه کشیده بود خاموش خواهند کرد و درس عبرتی خواهد شد، برای آنهایی که خیال سرنگونی نظم موجود را در سردارند. اما باطل بودن این پندار بزوی آشکارشده. فدائی به سمبل مبارزه علیه نظم موجود تبدیل شد. صدھا زن و مردی که به آزادی و سوسیالیسم عشق می ورزیدند برای تحقق ارمان های انسانی و طبقاتی خود به صفوغ سازمان ما بیوستند و پیگراند به مبارزه ادامه دادند. مزدوران رژیم شاه دیوانه وار به اقدامات سرکوبگرانه خود ادامه دادند. در سال ۱۳۵۰ دهها تن از فدائیان در درگیریهای خیابانی توسط ماموران سواک به قتل رسیدند و دهها تن به جوخر اعدام سپرده شدند. رفاقت امیر پرویز پویان، اسکندر صادقی نژاد، جواد سلاحد که در درگیریهای مسلحانه جان باختند. زمستان ۱۳۵۰ با موج وسیع اعدام ها همراه بود. در یازدهم اسفند ماه دژخیمان رژیم شاه، رفاقت مسعود و مجید احمد زاده، حمید توکلی، غلامرضا گلوی، اسدالله و عباس مفتاحی را به جوخر اعدام سپردند. یک روز بعد رفاقت آژنگ، سعید آریان، عبدالکریم حاجیان سه پله و مهدی سوالونی تیباران شدند. ۲۲ اسفند نه تن دیگر از رفاقت، علیرضا نابلد، امین نیا، اردبیلچی، علی نقی آرش، نقی زاده، حسن سرکاری، اصغر عرب هریسی، عبدالمالک فلکی تبریزی و اکبر مولید به جوخر اعدام سپرده شدند. این سرکوب و کشتار همچنان تا سرنگونی حسن نوروزی، حمید اشرف، احمد زبیرم، ایرج سپهری، یوسف زرکاری، عباس جمشیدی رود باری، هوشنگ اعظمی، احمدی مومنی، اونوش و مهدی فضیلت کلام، شیرین فضیلت کلام، زهرا آقابنی قلهکی، لادن و نسترن آل آقا، لادن آرادپوش، مرضیه احمدی اسکوئی، فاطمه افرن نیا، مارتیک قازاریان، حسن فرجوی، میترا بلبل صفت، صبا بیژن زاده، نسرین پنجه شاهی، سیمین پنجه شاهی، مهوش حاتمی، فاطمه حسن پور، افسر السادات حسینی، طاهره خرم، سیمین توکلی، خشاپار و کیومرث سنجری، مهدی اقتدار منش، خرم آبادی، فتحی پناهیان، پور رضا خلیق، اعظام السادات و نزهت السادات روحی آهنگران،

چرا دستمزدها طبق خواست کارگران اضافه نمی شود؟

حداقل درآمد یک خانوار است . آقای صادقی رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار نیز ضمن اشاره به اینکه در طی ده سال گذشته نرخ رشد دستمزدها از نرخ رشد واقعی تورم عقب مانده است ، در مورد نرخ تورم سال جاری نیز میگوید "نرخ رشد تورم برای کالا های اساسی در سال جاری ، ده درصد بیش از نرخ اسمی اعلام شده از سوی بانک مرکزی بوده است" او نیز به استناد آمارسازمان برنامه و بودجه ، می گوید خط فقر ۷۷ هزار تومان است حال آن که دستمزد کارگران ۳۷ هزار تومان است . علاوه بر این کانون یاد شده نیز در نامه سر کشاده ای به رئیس جمهور ضمن اشاره به مواردی که فوقا به آن اشاره شد ، خواهان آن شد که ماهیانه رقمی حدود ۷۰۰ هزار ریال میانگین مزد کارگران افزایش یابد . وقتی شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر و سران آنها که نقش چشم و گوش رژیم در میان کارگران را بازی می کنند و در خراب کاری و به انحراف کشاندن مبارزات کارگران ید طولانی دارند ، این چنین ازنال بودن سطح دستمزدها صحبت میکند ، ولوبا عنوان کردن این که " افزایش دستمزدها ابزار مهم رونق اقتصادی است " ، توجه اربابان خویش را به مسئله افزایش دستمزدها جلب می کند ، دیگر تصور اوضاع واقعی در میان توده و سبیع کارگران و خواست مبرم و حیاتی افزایش دستمزد ها به میزانی که حد اقل دستمزدها دست کم از رقمی که به عنوان خط فقر عنوان شده است ، پائین تر نباشد ، مشکل نیست . اعترافات کارگزاران رژیم که به نحوی ازانه با مسائل و محیط های کارگری درگیرند ، به روشنی اوضاع و خامت بارا قصادر و معیشتی کارگران و تشید فشارهای راکه دیگر از حد تحمل فراتر رفته است ، تصویر میکند . فاصله فاصله میان دستمزدهای کارگری و هزینه های رو به تزايد زندگی و ناهمانگی فاحش میان افزایش ناچیز دستمزدهای اسمی با نرخ واقعی رشد تورم ، قدرت خرید کارگران را به شدت کاهش داده است و فقر و گرسنگی فاجعه بازو در دنیاکی را دامنگیر خانواده های کارگری نموده است . کارگران بادستمزدهای ناچیز و حتی با اضافه کاری وتلاش در خارج از کارخانه و هزار جان کنند نیز قادر نیستند حداقل معیشت خود واعضا خانواده خود را تامین کنند . از اینرو کارگران خواهان افزایش بلا درنگ دستمزدها هستند .

کارگران از رژیم حاکم سؤال می کنند چرا دستمزدهای طبق خواست آنها اضافه نمی شود؟ چرا بایستی کارگران و خانواده های کارگری گرسنگی بکشند و زیر خط فقر باشند و در عوض میلاردها تومان حاصل دسترنج آنها توسع سرمایه داران و مدیران و مشتی غارتگر به جیب زده شود؟ در حالیکه کارگران مولد ثروت های اجتماعی و آفریننده نعمات زندگی اند ، چرا خود از این نعمات نصيب و بهره ای نمی برند؟ و در همان حال ناظر آنند که این ثروت های اجتماعی توسط دولت و واستگان حکومتی حیف و میل میلاردها ریال صرف هزینه های تبلیغات انتخاباتی آنها می شود؟(*)

کارگران مصراحت خواهان افزایش دستمزدها هستند . اگر سال گذشته ، پائین نگاهداشتن

سال جاری قیمت انواع برنج بیشتر از ۲۰۰ درصد ، جبویات ۲۶۰ درصد ، گوشت مرغ ۱۷۵ درصد گوشت گاو و گوسفند حدود ۱۶۵ درصد و قند و شکر ۱۹۷ درصد نسبت به زمان مشابه سال قبل افزایش یافته است . باید توجه کرد که روند افزایش قیمت ها کماکان ادامه یافته و به کالاهای نیز محدود نشده است .

بنابراین روشن است که اگر ۲۰ درصد هم بر میزان حد اقل دستمزدهای کارگری اضافه شود ، برخلاف ادعای کسانی که خود را به عنوان نماینده کارگران جازده اند ، اما از منافع دولت و سرمایه داران دفاع می کنند ، قدرت خرید کارگران در حد سال گذشته نیز حفظ نمی شود ، حتی چنانچه قیمت کالاها و خدمات نیز در حد فعلی آن ثابت بماند ، ولی بازهم از قدرت خرید کارگران و دستمزدهای واقعی ، عملا کاسته شده است ، حال آنکه می دانیم قیمت های فعلی ثابت نمی ماند و همینکه حرف افزایش دستمزد زده می شود و حتی قبل از عملی شدن آن ، قیمتها بسرعت بطور رسمی و غیررسمی سیر صعودی می بیناید و این افزایش اندک و اسامی دستمزدها را نیز خنثی می سازد . امروزه مسئله عدم هماهنگی میان دستمزدها و هزینه ها و کاهش مدام قدرت خرید کارگران که افزایش دستمزد ها را به امر فوری تode کارگران تبدیل نموده است ، آنقدر آشکار و عیان است که حتی مسئولین خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار نیز زیر فشار کارگران به آن اعتراف می کنند . برای نمونه یکی از مسئولین خانه کارگر در گذشته و از حدود چارچوبهای اعلام شده بانک مرکزی اتخاذ نماید . وقتی که باصطلاح نماینده کارگران درشورای عالی کار ، طبق ساز دولت و کارفرمایان ، بنظر نمیرسد تصمیمی فراتر از این بحث را در دستور کار خویش قرار بدهد . با این همه با توجه به ترکیب و ماهیت شورای عالی کار و جانبداری آن از سرمایه داران و کارفرمایان ، بنظر نمیرسد تصمیمی فراتر از این بحث را در دستور کار خویش قرار بدهد .

" همه ساله افزایش حقوق کارگران بر مبنای نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی و سایر مراجع ذیصلاح صورت میگیرد و این در حالیست که نرخ واقعی تورم جامعه بیش از اینهاست " وی بهاین واقعیت در دنیاک نیز اشاره می کند که تنزل دستمزدهای واقعی و کاهش دائمی قدرت خرید کارگران ، بسیاری از کارگران را مجبور ساخته است تا برای گذران زندگی و تأمین مایحتاج خانواده خود علاوه بر کار در کارخانه ، به شغل های دیگری نیز روی بیاورند . (کار و کارگر ۱۶ بهمن ۷۸) یک عضو علی - البدل شورای عالی کار با استناد به آمار و ارقام میگوید " در حال حاضر حداقل دستمزد زیر حداقل معیشت و حتی زیر خط فقر میباشد " (کار و کارگر ۲۵ بهمن ۷۸) آقای محبوب بیبر کل خانه کارگر میگوید " میزان افزایش واقعی دستمزدها در طول ده سال گذشته نسبت به میانگین تورم ده ساله بانک مرکزی کاهش زیادی یافته است و در مجموع در طول ده سال گذشته دستمزد واقعی کارگران از نرخ تورم ۱۱ درصد عقب است " او نیز به این واقعیت اشاره می کند که در طول سالهای گذشته نسبت به میانگین تورم ده ساله بانک مرکزی کاهش زیادی یافته است و در مجموع در طول ده سال گذشته دستمزدهای کارگری کفاف هزینه خانوار کار گری را نمی دهد . نامبرده در عین حال چنین اضافه میکند که میزان حد اقل دستمزد ماهانه پیشنهادی نماینده کارگران پیوسته کاسته شده و دستمزدهای کارگری کفاف هزینه خانوار کار گری را نمی دهد .

نامبرده در عین حال چنین اضافه میکند ، معهدا باید اشاره نمود که نرخ رشد تورم به چند برابر و دست کم به دو برابر رقم ادعائی رژیم می رسد . آماری که تصادفا در برخی روزنامه های رژیم انتشار یافته است ، بیانگر این حقیقت است که نرخ تورم نسبت به سال قبل بیش از ۴۰ درصد افزایش یافته است . بدای نموده به استناد روزنامه رسالت ، در تابستان سال جاری ، قیمت برنج و غلات بیش از ۵۳ درصد آب و برق و سوخت حدود ۴۰ درصد ، روغن ، کره و پنیر حدود ۲۶ درصد ، گوشت مرغ ، ماهی ، امور بهداشتی ، درمانی و خدماتی بیش از ۲۵ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش یافته است . آمار وارقامی که همین روزنامه چند ماه بعد از آن انتشار داد ، نشان می دهد که ابعاد مسئله از این هم بسیار فراتر است . این ارقام ناظر برآن است که در اواسط

گفتگوی نشریه کاربا رفیق پروین نیک آئین عضو کمیته اجرائی سازمان در مورد جنبش زنان

پرسش _ قبل از هر سئوالی لطفاً به طور خلاصه در مورد سرمنش^۱ مارس و خواسته‌های زنان در آن مقطع توضیح دهید.

پاسخ _ سرمنش^۱ مارس را باید در شرایط کار و زندگی و مبارزات زنان کارگر در اوایل قرن ۱۹ واوائل قرن ۲۰ جستجو کرد. در آن سالها، زنان کارگر و حشیانه استثمار می‌شدند و علیرغم ساعت طولانی و نامحدود کار، دستمزد ناچیز می‌گرفتند. همچنین زنان در سطح جهان از حقوق مدنی و سیاسی بی‌بهره بودند. این شرایط سبب شکل گیری حرکات اعتراضی و تظاهرات متعددی از سوی زنان کارگر شده بود. از جمله، زنان کارگرنساج آمریکا، در پی رشته مبارزات که به درگیری خونین با نیروهای سرکوبگر و دستگیری زنان انجامیده بود، روز ۸ مارس سال ۱۹۰۸ با خواست کاهش ساعت کارروزانه، حق رای برای زنان، و ممنوعیت بهره کشی از کودکان در نیویورک دست به تظاهرات زدند. دو سال بعد "کنفرانس زنان سوسیالیست"^۲ که در شهر کپنهاگ تشکیل شده بود، با اعلام پشتیبانی از مبارزات زنان کارگر برای کسب حقوق سیاسی و مدنی و از جمله حق رای، به پیشنهاد کلارا زتکین از رهبران حزب سوسیالیست آلمان و از بینانگذاران "کنفرانس زنان سوسیالیست"^۳ مارس را بعنوان روز جهانی زنان کارگر به رسمیت شناخت. در سال ۱۹۱۱ نیز گذگاری انتراتسیونال دوم از تصمیم کنفرانس زنان سوسیالیست حمایت کرد و از آن زمان تا کنون زنان در اغلب کشورهای جهان، ۸ مارس با برگزاری گددهم‌آئی ها و انجام راهپیمائي و تظاهرات، مطالبات خود را مطرح می‌نمایند. از سال ۱۹۷۵ به این سوسازمان ملل ۸ مارس را بعنوان روز جهانی زن به رسمیت شناخته است.

در ایران، هم رژیم سلطنتی شاه و هم حکومت اسلامی از به رسمیت شناختن ۸ مارس خودداری کردند. اما ۸ مارس برای زنان ایران نیز سهیل مبارزه برای رهایی از ستم جنسی است. طی ۲۰ سال گذشته، علیرغم ممنوعیت پریاپی مراسم روز جهانی زن، هر ساله زنان آگاه این روز را در محافل و تجمعات دولتی و غیررسمی جشن می‌گیرند.

پرسش _ دستاوردهای زنان جهان را در این دوران چگونه ارزیابی می‌کنید؟

پاسخ _ از اوایل قرن بیست تا کنون زنان در اقصی نقاط جهان نیروی فعال انقلابات و دگرگونی‌های سیاسی بوده اند. در تمام این دوران، زنان علیه ستم جنسی مبارزه کرده اند. اما اکنون پس از پایان نزدیک به یک قرن که از پیدایش روز جهانی زن می‌گذرد، اگر به عقب نگاه کنیم می‌بینیم که در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری زنان به برای حقوقی با مردان دست یافته‌اند. در کشورهای شرق‌آسیا، گرچه انقلاب اکابر و به تبع آن انقلاب در سایر کشورهای اروپایی شرقی، سرمنش^۱ تغییرات رادیکالی در زندگی زنان این کشورها شد، اما با فروپاشی بلوك شرق، سیر قهرائی در شرایط اقتصادی و حقوقی و سیاسی زنان آغاز شد. در پسیاری از کشورهای پیرامونی، زنان هنوز حتی بر روی کاغذ نیز با مردان برابر نیستند. در کشورهایی، مانند ایران و افغانستان، با قدرت گیری ارتکاع مذهبی زنان رسم‌آموزند درجه دوم محسوب می‌شوند. در عین مبارزات نزدیک به یک قرن گذشته علیه ستم جنسی، تجربیات گرانبهایی برای جنبش زنان و سایر جنبش‌های انقلابی و مترقبی در برداشته است.

پرسش _ موقعیت جنبش زنان در سطح جهانی در لحظه کنونی چگونه است، علت فروکش مبارزات جهانی زنان را در چه می‌بینید؟ چشم انداز این مبارزات کدام است؟

پاسخ _ جنبش زنان یک جنبش در خود نیست، بلکه همانند سایر جنبش‌ها از شرایط جهانی، پیشروی یا شکست سایر جنبش‌ها، و توازن قوا در هر لحظه معنی تاثیر می‌گیرد. شکست انقلابات کارگری قرن گذشته، یک قطبی شدن جهان، تهاجم به طبقه کارگر و سایر جنبش‌های متρقی و انقلابی را در پی داشته است. جنبش زنان نیز به عنوان جزئی از جنبش مبارزه در راه برای برابری، از این تعریف در امام نبوده است. در اثر تغییرات دودهه گذشته در اوضاع جهانی، جنبش طبقه کارگر و جنبش زنان نیز در وضعیتی تدافعی قرار گرفته اند. پسیاری از دستاوردها باز پس گرفته شده‌اند. تجربه جنبش زنان در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری

نشان داد که گرچه زنان این کشورها درنتیجه مبارزات خود به برابری حقوقی با مردان دست یافتدند، اما برابری حقوقی زنان و مردان در چهارچوب روابط اقتصادی – اجتماعی موجود نیز شرایط برابر با مردان را برای زنان فراهم نکرد. زنان این کشورها هنوز در موقعیت پائین تری از مردان دستمزد می‌گیرند. زنان در دارای زنان ۲۰ – ۳۰ درصد کمتر از مردان دستمزد می‌گیرند. زنان در جائی که همپای مردان در خارج از خانه کار می‌کنند، بار وظائف خانه داری و نگهداری از فرزندان را بر دوش می‌کشند. غالب مشاغل سطح بالای دولتی در انحصار مردان است و بخش اعظم اقتشار فقیر و کم درآمد را زنان تشکیل می‌دهند. با تهاجم سرمایه‌داری، پسیاری از همین حقوق نیز باز پس گرفته شده است. این تجربه آشکارا نشان داد که برابری حقوق زنان با مردان گرچه گامی بسیار ضروری در مبارزه زنان برای رهایی از ستم جنسی است، اما به شدت ناکافی، محدود و شکننده است. برابری حقوقی، برابری در چهارچوب نا برابری‌های جامعه‌طبقاتی است.

از سوی دیگر روند روز افزون هرچه جهانی ترشید سرمایه، مبارزه زنان را همگون ترمیمکنند. در شرایط امروز، سرمایه در جستجوی نیروی کار ارزان از آمریکا تا آسیا، اروپا تا آفریقا را درمی‌نوردد و در تمام این مناطق، بدون استثنای زنان کارگر را با پرداخت کمترین دستمزد و با غیرانسانی ترین شرایط به کار می‌گیرد. بنابراین زنان در تمام این مناطق، علاوه بر مبارزه برای حقوق مدنی و سیاسی برابر در کشور خودشان، مبارزه مشترکی علیه سرمایه جهانی پیش رو دارند. روند جهانی ترشید سرمایه، به اضافه قدرت گیری حکومت‌های ارتجاعی – مذهبی در بدخشی کشورها از جمله ایران، سبب می‌شود زنان کشورهای پیرامونی نقش فعال تر و بارزتری علیه ستم جنسی ایفا نمایند. با توجه به نکات ذکر شده چشم اندیز مبارزات زنان را می‌توان به این شکل ترسیم کرد که مبارزه زنان علیه ستم جنسی، هرچه بیشتر با مبارزه علیه استثمار طبقاتی در هم می‌آمیزد، این مبارزه همگون تر می‌شود و زنان کشورهای پیرامونی نقش بارزتری در کل این مبارزه ایفا خواهد کرد.

در عین ترسیم چنین چشم اندیز روشن و امیدوارکننده‌ای برای جنبش زنان علیه ستم جنسی، باید بر ضرورت مبارزه ایدئولوژیک با تئوری هائی که جزت‌داوم اسارت زنان هدف و رسالتی ندارند، تاکید کرد. از جمله باید به تئوری نسبی گرایی فرهنگی اشاره کرد. ایدئولوگهای بورژوا در مقابل چشم اندیزی که جنبش زنان پیش رو دارد، با سلاح نسبی گرایی فرهنگی پا به میدان گذاشته اند تا جنبش زنان علیه ستم جنسی را پاره کنند. با توصل به نسبی گرایی فرهنگی، شنیع ترین جلوه‌های مردسالاری، و تحقیر زنان را توجیه می‌کنند. اگر چه سلاح نسبی گرایی فرهنگی که (سنگ) احترام به فرهنگ و سنت های بومی را به سینه می‌زیند) از زرادخانه ایدئولوژیک کشورهای امپریالیستی شلیک می‌شود، و علی‌الاظاهر تنها کشورهای پیرامونی را نشاند گرفته تا نفس وجود حکومت هائی مانند جمهوری اسلامی و اقدامات زن سنتی و ضد بشری آنها را توجیه کند، اما در نهایت این سلاحی است علیه جنبش زنان و دمکراسی، حتی در خود کشورهای امپریالیستی. اینجاست که بی‌تفاوتی و در مواردی سکوت تائید آمیز فمینیست های کشورهای غربی در برای تز نسبیت فرهنگی، غیر قابل توجیه، و ارجاعی است. اگر امروز در پیش‌رفته ترین کشورهای سرمایه‌داری، وقتی زنی به دست شوهر، یا دختری به دست پدر یا برادرش به قتل میرسد، باین توجیه که قاتل مسلمان است تصریه‌ای به قانون افزوده می‌شود و قتل نفس به "فرهنگ و سنت" تعبیر می‌شود، فردا دهها تصریه مشابه زنان اروپائی را نشانه خواهد رفت.

پرسش _ حالا به جامعه ایران باز گردیم، اول کمی در مورد تاریخچه جنبش زنان در ایران توضیح دهید.

پاسخ _ جنبش نوین زنان ایران از انقلاب مشروطه و اندکی قبل از آن آغاز به شکل‌گیری می‌کند. در رشته مبارزاتی که به انقلاب مشروطه منجر شد، زنان نقش فعالی داشتند. شرکت زنان در جنبش تحریم تباکو و سپس در خود انقلاب مشروطه معرف خاص و عام است. با عدم تحقق مطالبات دمکراتیک که انقلاب مشروطه در دستور کار داشت، زنان

نیز خواست هایشان متحقق نشد. قانون اساسی مشروطیت، زنان را در ردیف کلاهبرداران، قاتلان و دزدان و جنایتکاران از حق رای محروم ساخت. از آن زمان تا کنون مبارزه زنان ایران برای برابری تداوم داشته و افت و خیز بسیاری را پشت سر گذاشته است. زنان در همه تحولات سیاسی و انقلابی فعال بوده‌اند، اما تا ۱۳۵۷ و به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی، تغییرات محدودی در وضعیت حقوقی آنان ایجاد شده بود. تا اینکه در سال ۵۷ حکومت اسلامی حقوق بالفعل زنان را نیز یکسر بازپس گرفت و آنان را رسماً شهروندان درجه دوم قلمداد کرد. دو نکته قابل توجه در مبارزات زنان ایران از انقلاب مشروطه تا کنون این است که اولاً تشکل‌های زنان تها در شرایطی امکان فعالیت یافته‌اند که تحول اوضاع سیاسی طبقه حاکم را در کنترل اوضاع و برقرارداشتن سانسور و خفاقان ناتوان کرده. درچنین شرایطی تشکل‌های زنان به سرعت ایجاد شده و گسترش یافته‌اند و به محض اینکه طبقه حاکم قدرت سرکوب‌اش را مجدداً سازماندهی کرده، درهم کوبیده شده اند. به عنوان نمونه می‌توان به فضای بالتبه دمکراتیک اوائل قرن چهاردهم شمسی، اوائل دهه سی و همچنین دوران کوتاه پس از انقلاب ۱۳۹۰ اشاره کرد. نکته دوم این است که در تمام این سالها، طبقه حاکم با سرکوب تشکل‌های مدافعان حقوق زنان، مطالبات زنان را به شکلی بسیار سر و دم بریده و مسخ شده، به شکلی بوروکراتیک و از بالا به عنوان حقی که گویا طبقه حاکم به زنان اعطای می‌کند، طرح کرده است. این امر در مطالب لغو حجاب اجباری که سال‌ها توسعه حزب کمونیست ایران، برخی انجمن‌های زنان و روشنکران متفرق طرح می‌شد و سرانجام صورت دفرم شده "کشف حجاب" اجباری رضا خان پشت آن بود و سرانجام درسال ۱۳۴۱ به عنوان "عطایای ملوکانه" محمد رضا شاه به زنان ایران مطرح شد.

پرسش _ از زنان همواره به عنوان نیمی از جمعیت یاد می‌شود، آیا آماری از تعداد کل زنان ایران و بخش شاغل آن در دست هست؟ در مورد وضعیت و عرصه‌های شغلی زنان، امکانات و محدودیت‌هایی که در این مورد هست توضیح دهی.

پاسخ _ آمار رسمی حاصل از سرشماری سال ۱۳۵۷ حاکی است که ۲۹۵۴,۳۲۹ یعنی ۴۹/۱۹ درصد کل جمعیت ایران را زنان تشکیل می‌دهند. ۱۲/۱۲ درصد از زنان ایران شاغل‌اند. باز بنابرهمین آمار زنان ۱۰ درصد کل نیروی فعال جامعه را تشکیل می‌دهند و ۴/۷۴ درصد کل کارگران شاغل کشورزن هستند. به جز زنان کارگر، سایر زنان شاغل عمدتاً در مشاغلی که سنتاً زنانه هستند یعنی آموزش و بهداشت و درمان به کار اشتغال دارند. مابقی نیز در سایر رشته‌ها _ البته آن رشته‌هایی که برای زنان منوع نیستند، شاغل‌اند. آمار رسمی حاکی است زنان، سرپرست بیش از یک میلیون خانوار هستند. هرچند که رئیس سازمان بهزیستی درهماش "جایگاه زن در درسپرستی خانواده" گفت بنا بر آمار غیر رسمی، تعداد این خانواده‌ها به ۳ میلیون میرسد. صرفنظر از اینکه زنان شاغل چه تحصیلاتی دارند، درجه رشته‌ای و درکجا کار می‌کنند، عموماً در یک امر مشترک اند و آن اینکه به دلیل زن بودن مورد تبعیض قرار می‌گیرند.

پرسش _ وضعیت زنان کارگر چگونه است؟

پاسخ _ آماری که از زنان کارگر نکر شد، البته (به فرض صحت) تنها کارگران کارخانه‌ها و کارگاه‌ها را در بر می‌گیرد. حال آنکه بخش قابل توجهی از زنان کارگرخانگی هستند. اینان در ازای کار مشخصی که در خانه برای صاحب کار یا واسطه‌ها انجام میدهند، دستمزد می‌گیرند. وضعیت این دسته از زنان کارگر واقعاً اسف بار است. اینها کهترانیمی از دستمزد یک کارگر کارخانه یا کارگاه را برای انجام کار مشابه دریافت می‌کنند. این دسته از زنان کارگر که عمدتاً به دوزندگی، تولید مواد غذائی، سرهم کردن وسائل مختلف خانگی، زدن برچسب و قالیافی اشتغال دارند، غالباً سرپرست خانواده نیز هستند و از ناگزیری به چنین شرایطی تن می‌دهند. اغلب این زنان کارگر به دلیل اعتیاد یا فوت شوهر، جدایی و دلالی مشابه، تامین هزینه و سرپرستی فرزندانشان را نیز برداش می‌کشند. اینها از هیچ‌گونه تأمین اجتماعی برخوردار نیستند، صاحب کار هیچ‌گونه تعهدی در مقابل آنها ندارد و به دلیل دستمزد ناچیزشان در فقر مطلق بسر می‌برند.

در وهله بعد کارگران کارگاه‌ها هستند که در شرایط سخت و جان فرسائی به کار گرفته می‌شوند. کارگران کارگاه‌ها نیز در موارد بسیاری از حقوق و مزایای قانونی محروم اند. این کارگران عمدتاً در کارگاه‌های خیاطی، قالیافی، کارگاه‌های تولید اسیاب بازی و امثالهم شاغل‌اند. بخشی از زنان کارگر نیز درکوره پرخانه‌ها کار می‌کنند. شرایط کاری اینان نیازی به توضیح ندارد.

کارگران کارخانه‌ها عمدتاً در رشته‌های مونتاژ و دربخش بسته بندی کارخانه‌های مختلف کارمی کنند. البته درمجموع سرمایه داران بیشتر ترجیح می‌دهند از نیروی کار زنان به صورت کارگر خانگی و یا در کارگاه‌ها استفاده کنند و به کار گیری کارگران زن در کارخانه‌ها در مجموع محدود تر است. در ارتباط با اجرای سیاست تعدیل اقتصادی، تعدادی از زنان کارگر هم اخراج شدند. در موادی دختران جوان را به جای آنان استخدام کردند. وازنانها تعهد گرفتند که تا پایان قراردادشان ازدواج نکنند و بچهدار نشووند. این راهی بود تا سرمایه‌داران از پرداخت هزینه‌های مربوط به دوران بارداری، مرخصی زایمان و مهد کودک معاف شوند.

زنان کارگر کارخانه‌ها ازسوئی همانند همه کارگران با عدم پرداخت دستمزدها، تعطیلی کارخانه‌ها و اخراج مواجه اند. و از سوی دیگر در مقایسه با مردان کارگر، از بسیاری از حقوق و مزايا محروم‌اند. آنها دستمزد کمتری از همکاران مردمشان می‌گیرند. ارتقاء شغلی در رابطه با زنان کارگر مفهومی ندارد، امکان آموزش فنی و حرفة ای ندارند و با آنکه حق بیمه و بازنشستگی مساوی با مردان کارگر می‌پردازند، از امکانات کمتری بهره می‌برند. علاوه بر اینها طرحی که دو هفته پیش در مجلس ارتجاع تصویب شد و طبق آن کارگاه‌های زیر ۵ نفر رسمی از شمال قانون کار خارج می‌شوند، تاثیرات بلااوسطه ای بر وضعیت زنان کارگر بر جای خواهد گذاشت. این قانون به کارفرمایان رسمی اجازه می‌دهد که با بهره‌گشی از کار کودکان، زنان کارگر را راحت تر اخراج کنند و سطح دستمزد هارا باز هم پائین تر بکشند.

پرسش_ مطالبات زنان ایران کدامند؟

پاسخ _ زنان خواهان حقوق برابر با مردان در تمامی عرصه‌های زندگی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی هستند. زنان می‌خواهند در عرصه زندگی اجتماعی از فرسته‌ها و موقعیت‌های خواهان لغو تمامی قوانین خود را باشند. در چهارچوب خانواده نیز خواهان لغو تمامی قوانین جنس گرایانه و زن سنتی موجود هستند. واقعیت این است که زنان ایران علیرغم اینکه حدود یک قرن مبارزه در شکل نوین آن را پشت سر گذارده‌اند، هیچگاه حتی از نظر قانونی با مردان حقوق برابر نداشته‌اند. آنچه از مبارزات زنان بویژه در دو دهه اخیر می‌توان جمع بندی کرد این است که حقوق برابر تامی زمینه‌های اجتماعی و زندگی فردی، خواست عاجل زنان است. تحقق این امر البته مستلزم جدائی کامل دین از دولت است.

پرسش _ مبارزات زنان ایران برای رسیدن به این مطالبات را چگونه ارزیابی می‌کنید، تناقضات و ضعف این مبارزات چیست؟

پاسخ _ پس از به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی و تصویب قوانین فوق ارتجاعی‌علیه زنان، مقابله و مبارزه مدواومی توسط زنان سازمان دهی شده است. اجرای قوانین زن سنتی حکومت در هر عرصه‌ای، مقابله و مبارزه زنان را به دنبال داشته است.

مسئله حجاب اجباری و برخورد زنان به این پدیده، ریختند کردن حاکمان و دهن کجی به آنان عمومی‌ترین و آشکارترین وجه این مبارزه است اما مطلقاً همه ابعاد آن را نشان نمی‌دهد. در کارخانه، اداره، مدرسه و دانشگاه‌در دو دهه گذشته کشاکش مدواومی میان مددوران انجمن اسلامی و سایر عوامل رژیم، با زنان برسر تحمیل خوابط شرعی و رعایت آپارتمانی جنسی وجود داشته است. حاکمیت جمهوری اسلامی به تقویت فوق العاده موقعیت مرد در درون خانواده منجر شد. قوانین اسلامی حتی به مرد اجازه می‌دهد زنش را بکشد بدون اینکه مجازاتی درانتظارش باشد. این نیز عرصه دیگری برای مبارزه زنان بود. مقابله با ازدواج های اجباری، و گسترش روز افزون تقاضای طلاق _ که اکثر نویسندگان انجام می‌شود جلوه‌هایی از این مبارزه هستند. افزایش یاور نکردنی فرار دختران _ حتی دختران ۱۰ _ ۱۲ ساله از خانه، و آمار وحشتناک خودکشی، یا اقدام به خودکشی نزد زنان و دختران جوان، در عین حال که نشان شدت ستم جنسی است که تحت حکومت

کارگران و مدیر کارخانه مشغول بحث بودند، در اثربالا گرفتن مشاجرات و شکایت مدیرکارخانه، رئیس شورای اسلامی از سوی نیروهای انتظامی بازداشت میشود که بدنبال آن کارگران در محوطه کارخانه اجتماع نموده و با مدیر کارخانه به زد خورد می پردازنده. شایان ذکر است که این کارخانه را با داشتن ۸۰۰ کارگر، ظاهرا به علت نداشتن مواد اولیه و کبود نقدینگی، مدتی است تعطیل نموده اند و کارگران را از کار بیکار نموده و با مشکلات عدیده ای روبرو ساخته اند.

تحصن دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین

دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین در اوائل اسفند ماه، کلاس درس را تعطیل نمودند و در مقابل این دانشگاه متحصن شدند. اعتراض دانشجویان به سنگینی شهریه، مردود کردن دانشجویان به منظور گرفتن شهریه بیشتر، نبود استاد مجرب و توهین مقامات دانشگاه به دانشجویان بود. این تحصن با قول مساعد مقامات دانشگاه پایان یافت.

تظاهرات دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی

۱۵۰ تن از دانشجویان دختر دانشگاه علامه طباطبائی روز ۱۰ اسفند در اعتراض به فقدان امکانات رفاهی، وضعیت نامناسب خوابگاه و برخی خواستهای دیگر دست به تجمع، تظاهرات و تحصن زدند.

نرخ ۱۷ درصدی بیکاری در اردبیل

مدیرکل کارستان اردبیل گفت نرخ بیکاری در این استان از ۱۰/۵ درصد در سال ۷۵ به ۱۵/۴ در سال ۷۶ و در سال جاری به ۱۷ درصد افزایش یافته است. نامبرده همچنین اضافه کرد که بالغ بر ۴۲ هزار جویای کارتنهای درینمه اول سال جاری در ادارات کاریان استان برای پیدا کردن کارت ثبت نام نموده اند.

تجمع اعتراضی در همدان

بدنبال کشته شدن یک دانشآموز در برخورد با کامیون، روز شنبه دوم بهمن شمار زیادی از دانش آموزان و خانواده های آنها، دست به یک تجمع اعتراضی زدند. مردم به خشم آمده، ابتدا اقدام به مسدود نمودن خیابان کردند و سپس به سمت مرکز شهری راهپیمایی پرداختند که در مسییر راهپیمایی شمار زیادی از توده های مردم به اعتراض کنندگان پیوستند. تظاهر کنندگان ضمن حمله به برخی از وسائل نقلیه دولتی، نسبت به عدم نصب پل هوایی در محل حادثه اعتراض کردند. شایان ذکر است که نیروی انتظامی سریعاً خود را به محل تظاهرات رساندند و ضمن دستگیری شماری از اعتراض کنندگان، به این تجمع اعتراضی پایان دادند.

اخبار از ایوان

جواهر اراضی درگروه صنعتی ملی

هزاران کارگر مشغول به کار در واحد های گروه صنعتی ملی، نسبت به حذف مزایا، عدم پرداخت

به موقع دستمزدها و نیز عدم اجرای طرح طبقه بنده مشاغل اعتراض دارند. مدیران و کار-

فرمایان این واحدها، به اشکال و شیوه های مختلفی فشار بر کارگران را تشید نموده اند و

از جمله مزایای بسیاری از کارگران را قطع نموده و حقوقها را نیز به موقع نمی پردازند و

خلاصه می کارگران اجبارا به باز خرید رضایت دهند. کارگران در این مورد میگویند "یک ماه حقوق نمی دهند، یا با تأخیر پرداخت می کنند،

یک ماه بخشی از حقوق را میدهند و باقی را به روزهای آینده موكول می کنند. چرا ما را زجر کش می کنند... شرایطی را پیش آورده اند که

کارگریا پای خودش به کارگزینی برود و اعلام نماید که حاضر به باز خرید شدن هستم" این

کارگر ضمن اعتراض به این اقدامات سرکوبگراند، چنین اضافه کرده است چنانچه وضع به همین

روال پیش برود، کارخانه جاتی مثل "آزاد" و "شاهد" به رکود و تعطیلی کامل کشیده خواهد

شد. کارگران واحد های گروه صنعتی ملی خواهان پرداخت به موقع دستمزدها و تضمین شغلی خود هستند.

اعتراض و تجمع کارگران کارخانه آسانسور سازی گیلان

کارگران آسانسور سازی گیلان روز ۸ اسفند دستار کارکشیدند و در مقابل ساختمان مرکزی بانک صنعت و معدن تجمع نمودند. مدتی است که حقوق کارگران پرداخت نشده است. کار-

گران خواهان پرداخت هر چه سریعتر دستمزد

اعتراض کارگران صنایع چوب

در مراسمی که به مناسب دهد فجر در یک ورزشگاه در تهران برگزار شده بود و رژیم با کشاندن کارگران به آنجا می خواست به نفع مقاصد خود از آن بهره برداری نماید، قبل از آنکه رفسنجانی شروع به سخنرانی کند، یک کارگر از میان حضار بلند شد و به ایراد سخنان اعتراض آمیزی پرداخت. او که یکی از کارگران کارخانه صنایع چوب بود، ضمن اشاره به وضعیت و خامت بار معیشتی کارگران، نسبت به عدم پرداخت بیش از ۲۰ ماه حقوق کارگران این کارخانه قویاً اعتراض نمود. شایان ذکر است که در این مراسم کسانی که به عنوان نمایندگان کارگری از کشور عراق دعوت شده بودند نیز حضور داشتند.

اعتراض کارگران چای جهان

چهل تن از کارگران چای جهان، ضمن مراجعة به خانه کارگر و تجمع در این مکان، نسبت به اخراج های بی رویه و عدم ضمانت شغلی اعتراض نمودند. کارگران چای جهان ضمن اعتراض به اخراج کارگران این واحد، نسبت به اخراج کارگران در سایر واحدها از جمله اخراج کارگران شرکت شیمی طب و شرکت ترمیمال جنوب نیز به ایران نا رضایتی و اعتراض پرداختند. کارگران خواستار توقف اخراج ها و ضمانت شغلی خود شدند.

تجمع کارگران اخراجی شهرداری

تعدادی از کارگران خدماتی پیمانکاری شهرداری منطقه یک تهران در اعتراض به اخراج خود که اخیراً صورت گرفته است، در مقابل شهرداری تجمع نمودند و با سردادن شعار خواهان باز-

گشت به کار شدند. این کارگران هریک چندین

سال سابقه کار دارند.

زد و خورد در کارخانه نقش ایران

طبق مندرجات روزنامه رسالت، در جلسه کمیته انتظامی کارخانه، هنگامی که شماری از

تجمع اعتراضی کارگران نخکار و مبلیران

بیش از ۵۰۰ تن از کارگران کارخانه های نخکار و مبلیران، روز هفدهم بهمن ماه در برابر وزارت کار و امور اجتماعی، یک اجتماع اعتراضی بر پا کردند. در این تجمع، کارگران نسبت به قطع حقوق خویش از بوسال پیش تا کنون اعتراض نموده و خواستار رسیدگی به وضعیت خود شدند. قابل ذکر اینکه وزیر کار در جمع کار-

گران اعتراض کننده حاضر شد و وعده های

نیز به کارگران داده شد.

کارگران خرخز خواهان

بدست گرفتن امور کارخانه شدند

کارگران خرخز تکابن که حدود ۲ سال درگیر مشکلات متعددی هستند، گروهی اخراج شده و حقوق گروهی دیگر مدواoma به تعویق افتاده است، خواهان آن شدند که امور کارخانه به دست کارگران اداره شود تا توظیه و روشکستگی و زیان دهنی کارفرما خنثی گردد. در سالهای اخیر این نخستین بار است که کارگران مسئله کنترل کارگری بر تولید را مطرح می کنند. این کارخانه وابسته به بانک صنعت و معدن است.

اعتراض کارگران کفش ملی

کارگران کفش ملی نسبت به عدم پرداخت مرتب دستمزدها اعتراض دارند. در نامه ای که در

۲۰ هزار کودک خیابانی در تهران

۵۶۵ نفر اهل کرمانشاه می باشند . طبق این گزارش ۲۱۲۶ نفر از این کودکان تحت پوشش خانواده، ۲۷۶ نفر تحت تکفل پدر ، ۲۵۶ نفر تحت تکفل مادر و ۵۹۸ نفر بی سرپرست بوده اند.

در حالیکه برانبوه عظیم کودکان و نوجوانان خیابانی و رها شده افزوده می شود ، دولت آقای خاتمی که همچنان "حرمت انسانی" و "کرامت انسانی" ورد زبانش می باشد، حتی در چارچوب اقدامات و راه حل های نظام سرمایه داری نیز گامی در راستای تامین حقوق کودکان بر نداشته است . در قبال این جمعیت پرشمار قربانیان خردسال، روزنامه سیز "خانه سیز" مرکز ۲۸ بهمن خبر داد که دومین "خانه سیز" مرکز نگهداری کودکان خیابانی از اول اسفند ماه با ظرفیت ۸۰ نفر توسط شهرداری منطقه دوازده تهران گشایش میابد ! این درحالیست که طبق گزارش همین روزنامه بیش از ۲۰ هزار کودک خیابانی در شهر تهران وجود دارد . پدیده کودکان خیابانی همچون پدیده بیکاری ، فحشی دزدی ، اعتیاد و سایر مصائب اجتماعی، محصول نظام خشن و ضد انسانی سرمایه داری است که تحت حاکمیت جمهوری اسلامی بطور بسیار فاجعه انگیزی تشدید شده و گسترش یافته است.

چرا دستمزدها

طبق خواست کارگران اضافه نمی شود؟

دستمزدها بخشا به بهانه سقوط قیمت نفت و کاهش درآمد های دولت بعنوان یک کارفرمایی بزرگ، از این محل ، توجیه میگردید، اکنون که بهان نفت به حدود سه برابر سال قبل افزایش پیدا کرده است ، چرا دستمزدها طبق خواست کارگران اضافه نمی شود ؟ کارگران خواهان آنند که دستمزدهای کارگری به فوریت و به نحوی افزایش یابد که حداقل دستمزد تامین کننده مخارج یک خانواده پنج نفره باشد .

برای رسیدن به این خواست ، کارگران راه دیگری آنها در پیش ندارند. کارگران بایستی مبارزه خوبیش علیه کارفرمایان و دولت را متخلک سازند. بی تردید با اتحاد و مبارزه را از حقوق سرمایه داران بیرون بکشند.

زیرنویس:

* کارو کارگر مورخ ۲۸ بهمن ۷۸ در مورد هزینه های تبلیغات انتخاباتی از جمله چنین نوشتند است که یک آگهی معمولی با عکس حدود ۱۰۰ هزار تومان هزینه دارد و تعریفه یک صفحه کامل در روزنامه های کثیرالانتشار بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان می باشد.

آمار و ارقامی که از سوی نهادها و روزنامه های حکومتی در مورد کودکانی که به علتهای مختلفی در خیابانها به حال خود رها شده اند، حاکی از ابعاد وسیع قربانی شدن کودکان و نوجوانان در پای منافع استثمارگران و نظم خشن و ضد انسانی آهان است. برای نمونه شهرداری تهران در چهارم بهمن اعلام کرد ۱۶۱ کودک خیابانی و بی سرپرست از اول تیر تا اول آبان در سه پایانه تهران توسط سازمان ترمیتال ها و "خانه سیز" شناسائی و از این مراکز جمع آوری شده اند که از این تعداد ۱۵۰۸ کودک به خانواده هایشان تحويل و بقیه به "خانه سیز" محل نگهداری پسر بچه ها و "خانه ریحانه" محل نگهداری دختر بچه ها تحویل داده شده است.

در همین مورد روزنامه رسالت نیز به نقل از منابع رسمی می نویسد، "خانه سیز" از فوردهای سال جاری تا کنون ۴۲۷۱ نفر از کودکان و نوجوانان را از خیابان ها و پایانه های شرق ، غرب ، راه آهن و جنوب و مرقد خمینی جمع آوری کرده است که گروه سنی این کودکان و نوجوانان بین ۷ تا ۱۹ سال است که از این تعداد ۸۲۰ نفر اهل تهران و ۵۰۶ خراسان ، ۱۲۳ همدان ، ۶۷۰ نظر لرستان ، ۱۱۱ نفر فارس، ۱۸۲ نفر آذربایجان شرقی و

چند خبر کوتاه

- کارگریه نقل ازیک کارشناس اقتصادی نوشت در اثر تعطیلی کارگاهها و کارخانه ها و واحدهای تولیدی نظیر پشم شوئی و ریسنگی، آجر ماشینی، پوشک ، مواد شوینده ، ادوات کشاورزی، کیف و کفش و چینی سازی، صدها نفر در ایام بیکار شده اند.

- همین روزنامه مورخ ششم بهمن از قول دیر اجرایی خانه کارگرماندرا اعلام کرد که کارگران در بسیاری از واحدهای تولیدی این استان از جمله پاکت سازی و چیت سازی بهشهر، ۲۴ ماه است که حقوق نگرفته اند.

- وزیر کشاورزی گفت بیش از ۳۰۰۰ فارغ - التحصیل بیکاربری خشک کشاورزی وجود دارد.

- دو سوم ماماهای کشور بیکارند . طبق گزارش سازمان برنامه و بودجه ، ۲۱۰۰ نفر ماما در کشور وجود دارد که از این تعداد ۷۰۰ نفر شاغل و ۱۴۰۰ نفر بیکارند.

- جمع زیادی از دانشجویان دانشگاه باهنر کرمان، نسبت به وضعیت ناخوش آیند خوابگاه ها و سرویس های دانشگاه، دست به اعتراض زند.

**حکم "قطع ید"
در مورد هفت نفر اجرا شد**

شعبه ۴۴ دادگاه عمومی مشهد، احکام "قطع ید" ۷ نفر را به جرم سرقت صادر کرد. این احکام پس از آنکه به تائید دیوانعالی کشور رسید ، صبح روز پنجم بهمن طی مراسمی در زندان مشهد به اجرا گذاشت شد. اسامی این افراد که علاوه بر حبس و شلاق، به قطع اندگشتن دست محکوم شدند به قرار زیر است: ۱_ علی و فادار ۴۴ ساله ۲_ حسین آخری ۱۸ ساله ۳_ علی مرادی ۲۰ ساله ۴_ احمد اخلاقی ۵۳ ساله ۵_ علی اخلاقی ۱۹ ساله ۶_ کاظم زارع و مصطفی باقری ۱۸ ساله . شایان ذکر است که در مراسمی که رژیم چهار انگشت دست راست این افراد را به جرم دزدی قطع می کرد، جمعی از قضات و کارکنان دادگستری و اداره زندان جمهوری اسلامی نیز حضور داشتند و صحنۀ راز نزدیک تماشا می کردند.

تشدید فقر و فلاکت در روستاهای ایران

رئیس سازمان بهزیستی در جریان کنگره ای که به بررسی وضعیت روستاه و روستا نشینان اختصاص داشت به ذکر آمار و ارقامی پرداخت که بیانگر تشدید فقر و فلاکت در روستاهای ایران است . به گفته غلامرضا انصاری، در حال حاضر یک میلیون و ۱۷۵ هزار خانوار روستائی زیر خط فقر زندگی می کنند. جمعیت روستا نشینان ۲۲ میلیون است که ۲۸/۳ درصد جمعیت کل کشور را تشکیل می دهد . طی ۴۰ سال گذشته درصد روستا نشینان نسبت به کل جمعیت کشور از ۶۹ در صد به ۲۸/۳ کاهش یافته است.

فقر و خانه خرابی در روستاهای و مهاجرت به شهرها همچنان ادامه خواهد یافت. منبع فوق روستائی به شهرهای هاجرت خواهند کرد. علی طالبی معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی آمار بیسوساوان در روستاهای را ۱۰ میلیون ذکر کرد . ۱۰ درصد جمعیت دوره ابتدائی در روستاهای از امکانات آموزشی محروم اند. نبود امکانات آموزشی یک میلیون و ۷۰۰ هزار دختر روستائی را از ادامه تحصیل محروم کرداد است.

کمیته های کارخانه را در هر کارگاه ایجاد کنیم

معاون مالی وزرات آموزش و پرورش جمهوری اسلامی گفت این وزارت خانه امسال با ۵۵۰ میلیارد ریال کمیته اعتبار مواجه است . وی اضافه نمود که در صورت عدم تامین اعتبار ، این وزارت خانه در خصوص پرداخت حقوق کارمندان خود، با مشکل روبرو خواهد شد.

کارگران از سوی کار فرما به منظور ترک صفوی اتحادیه کارگران و عقد قراردادهای فردی برای تعیین شرایط فروش نیروی کار ممنوع اعلام شد.

اعتراض پیروزمند کارگران راه آهن در محارستان

اوخر ماه ژانویه، ۵۶ هزار کارگر راه آهن دولتی محارستان دست به اعتراض ۵ روزه زدند. کارگران با این حرکت، خواستار افزایش دستمزدها به میزان ۱۱ درصد و بهبود شرایط بازنیشتگی خود شدند. با این اعتراض، کار فرما وادر شد که مجدداً مذاکرات خود با نمایندگان کارگران را ازسر بگیرد. این دور از مذاکرات نیز با بن بست مواجه شده و دوباره تمامی کارگران راه آهن دولتی محارستان از اویل ماه فوریه دست به اعتراض زدند. در طول این اعتراض ۱۴ روزه، که طولانی ترین اعتراض بعد از جنگ دوم جهانی در این کشور بود، تمامی قطارهای بین المللی وباری متوقف شده و هزاران نامه و محموله پستی در انبارهای راه آهن بربروی هم تلنبارشد. در این مدت کارفرما، یعنی شرکت دولتی راه آهن محارستان، جز با زبان نزور و تهدید با کارگران صحبت نکرده و هر روز با تهدیدی تازه کارگران را تحت فشار گذاشت تا به سرکارهای خود باز گردند. روز ۱۰ فوریه، در پاسخ به فراخوان شورای مرکزی اتحادیه های کارگری محارستان، هزاران کارگر در همبستگی با اعتضاییون راه آهن در شهر بوداپست و در مقابل وزارت راه و ترابری این کشور تجمع نموده و خواستار رسیدگی فوری به خواسته های اعتضاییون شدند. سرانجام روز ۱۴ فوریه، نمایندگان کارفرما اعلام نمودند که حاضر به پذیرش بخش زیادی از خواسته های کارگران هستند. با اعلام این خبر، شور و شعف ناشی از پیروزی این اعتراض، تمام کارگران اعتضایی را خیابانها آوردند و کارها از فردای آن روز از سرگرفته شد.

اعتراض معلمین و کارگران در رومانی

روزهای ۲۸ ژانویه و ۸ و ۲۲ فوریه، هزاران نفر از معلمان رومانی دست به یک اعتراض یک روزه زدند. خواست معلمان در این حرکت افزایش دستمزدها به میزان دو برابر بود. هزمان با این اعتراض، هزاران نفر از کارگران راه آهن دولتی رومانی نیز در اعتراض به دستمزدهای ناچیز خود برای مدت نامعلوم دست از کشیدند. کارگران مبارز همین این کشور اواسط ماه دسامبر سال گذشته نیز برای افزایش دستمزدهای خود به میزان ۵۶٪ دست به برپائی یک اعتراض نامحدود زده بودند.

صفحه ۱۲

طریق ماشین سرکوب سرمایه داران، کارگران را به سر کارهای خود باز گردانند. آنها بی شرمانه در تبلیغات خود علیه کارگران به ۵۷ مورد اقدام به قتل و ۱۲۱ مورد اخاذی توسط فعالین کارگری !!! اشاره نموده و از مقامات قضائی خواستند که هرچه سریعتر به این تخلفات کارگران رسیدگی شود. این تشبیثات سرمایه داران تنها نشان دهنده نگرانی آنها از ادامه مبارزه همه جانبیه کارگران است. کارگران نیز در پاسخ به دروغ پراکنی های کارفرما، اعلام نمودند که در واقع صاحبان این شرکت هستند که سالهای است. کارگران را اینمی محیط کار کارگران، تهدید و ضرب و شتم فعالین کارگری، اخراج خود خواستار کارگران معارض و عدم پرداخت دستمزد کارگران به عنوان جریمه، قانون کار آمریکا را زیر پا گذاشتند و باید در دادگاه پاسخ گو باشند. اعتضاییون می گویند صاحبان این شرکت پس از ۱۴ هفته تبلیغ پیرامون بی اهمیت بودند این اعتراض، بالآخر وحشت خود را از شکایت علیه سازماندهنگان این اعتراض بی اهمیت به نمایش گذاشتند.

* اوائل ماه فوریه اتحادیه های کارگران آمریکا خبر افزایش تعداد اعضاء خود در طول سال ۱۹۹۹ دادند. بنا به آمار و ارقام منتشره گذشته ۲۶۵ هزار کارگر به صفوی اتحادیه های پیوسته و در حال حاضر مجموعاً نزدیک به ۱۷ میلیون نفر از کارگران این کشور عضو اتحادیه های کارگری می باشند. درصد تشکل در میان کارگران آمریکا هنوز به میزان ۱۴٪ است. در حالیکه ۲۷٪ از کارگران و کارمندان شاغل در بخش دولتی عضو اتحادیه های صنفی هستند. این تعداد برای کارگران شاغل در بخش خصوصی تنها معادل ۶۹٪ است. به گفته اتحادیه های کارگری تعداد اعضاء این اتحادیه های در طول ۲۰ سال گذشته روند صعودی داشته است.

پیروزی کارگران در استرالیا

اوخر ماه ژانویه کارگران مجتمع صنعتی BHP به رشتہ اعتضایات زنجیره ای خود پایان دادند. این اعتضایات در اعتراض به اقدامات ضد کارگری صاحبان این مجتمع صنعتی آغاز شد. به منظور تأمین نیروی کارآرzan برای کارخانه های این مجتمع، صاحبان BHP تلاش دارند که کارگران را با فشار، نزور و تهدید از عضویت در اتحادیه کارگران منصرف نموده و به این ترتیب شرایط فروش کار آنان را از طریق قراردادهای فردی تعیین کنند. این تشبیثات، مقاومت کارگران را برانگیخته و کارگران دست به اعتراض زدند. در همین رابطه دادگاه فدرال منطقه PILBARA به شکایت کارگران از صاحبان این مجتمع صنعتی مبنی بر نقض حق تشکل آنان رسیدگی نموده و صاحبان BHP را مجرم شناخت. بر اساس حکم دادگاه هرگونه تشویق مادی و یا تهدید



هندوستان: پیروزی کارگران!

سرانجام پس از ۵ روز اعتراض، روز ۲۴ ژانویه بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران باراندار سراسر هندوستان، کارهای خود را لیست کردند. کارگران بنادر در این حرکت خود خواستار افزایش دستمزدها به ۲ برابر شدند، اما دولت هندوستان تنها با افزایش دستمزدهای میزان ۲۸٪ موافقت نمود. این عدم توافق اما پس از ۵ روز اعتراض کارگران، به پذیرش بخشی شرکت پس از ۱۴ هفته تبلیغ پیرامون بی اهمیت بودند این اعتراض، بالآخر وحشت خود را از شکایت علیه سازماندهنگان کارگران ارائه خواهند داد.

* روز ۲۷ ژانویه نیز ۸۷ هزار نفر از کارگران ۶ نیروگاه برق در ایالت اوتا پراش به اعتراض ۱۱ روزه خود پایان داده و به سرکارهای خود باز گشتهند. این کارگران نیز در اعتراض به خصوص سازی این نیروگاهها دست از کار کشیده و اعلام کردند که اجازه نخواهند داد که دولت هندوستان به شروط صندوق بین المللی پول و شرکتهای چند ملیتی گردن گذاشته و هزاران کارگر را اخراج نماید. در پاسخ به این مبارزه جوئی کارگران، مقامات دولت سیاست پیگرد و سرکوب رهبران این اعتراض را در دستور کار گذاشتند و تنها در طی یک فرمان ۴ هزار نفر از اعتضاییون را اخراج نمودند. اما در اینجا نیز مقاومت یک پارچه کارگران، دولت این کشور را به سرعت اورد. مقامات دولتی پس از ۱۱ روز از آغاز این اعتراض ضمن دادن تضمین شغلی به کارگران، برنامه خصوصی سازی اسم نیروگاهها را تا سال ۲۰۰۱ از دستور کار دولت خارج نمودند.

آمریکا: مبارزه کارگران ادامه دارد!

اوائل ماه فوریه، هزاران نفر از کارگران و راننده های شرکت حمل و نقل OVERNITE در آمریکا، چهاردهمین هفته اعتراض خود را پشت سر گذاشتند. با آغاز این اعتراض، کارگران و راننده ایالت آمریکا از روز ۲۴ اکتبر سال گذشته دست از کار کشیده و برخواسته خود مبنی بر تعیین شرایط کار از طریق قراردادهای دسته جمعی پا شدند. در همین مدت صاحبان شرکت OVERNITE تمام تلاش خود را بکار بستند تا اعتضاییون را به دادگاه کشیده و از

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

راهپیمائی بین المللی زنان علیه فقر و خشونت

تبیعیض و خشونت علیه زنان بیداد می کند. فقر در میان زنان روز به روز افزایش می یابد. در صد زنان جهان در فقر بسیار بیرون از همین رو مبارزه علیه فقر و خشونت علیه زنان، دو محور اصلی پلاتفرم است که تاکنون از سوی بیش از ۳۰۰۰ گروه و سازمان زنان و ۱۵۰ گروه، سازمان و حزب سیاسی و دهه اتحادیه کارگری در سراسر جهان مورد حمایت قرار گرفته است. کارزار تبلیغ فوق که رسما از ۸ مارس - روز جهانی زن - آغاز میشود با دو راه پیمائی وسیع در اروپا و آمریکا خاتمه می یابد. کارزاریا کمپین فوق پس از آغاز فعالیت رسمی، با برگزاری جلسات و فعالیتهای متعدد در سطح منطقه ای و ملی به جلب حمایت افراد، سازمانها و گروهها خواهد پرداخت و مقدمات برپائی دو راه پیمائی وسیع در اروپا و آمریکا را مهیا خواهد نمود. راه پیمایان از سراسر اروپا، روز ۱۴ اکتبر در بروکسل گرد هم خواهد آمد اما پایان نهائی کارزار روز ۱۷ اکتبر است که نمایندگان راه پیمایان اروپا به اتفاق راه پیمایان در قاره آمریکا، رهسپار نیویورک خواهند شد. در آن روز راه پیمایان ضمن تجمع در مقابل دفتر مرکزی سازمان ملل با کوфи عنان، دبیر کل این سازمان ملاقات خواهند کرد.

ایده برگزاری راه پیمائی جهانی زنان علیه فقر و خشونت، برگرفته از تجربه گروهها و سازمان های زنان کانادا است که در سال ۹۵ یک راه پیمائی یک هفته ای علیه فقر برگزار کردند. با پایان موقوفیت آمیز این راه پیمائی که تحت عنوان "یک شاخه گل سرخ و یک قرص نان" برپا شده بود، ایده گسترش آن در سطح جهانی متولد شد. از سال ۹۸ تاکنون دهها سازمان و گروه زنان مقدمات برپائی یک کارزار بین المللی را در دستور کار خود قرار داده اند. حمایت از این کارزار و فعالیت در آن روز به روز گسترش می یابد.

باد جانباخته گان فدائی ...

خیل عظیم جانباخته گان فدائی در همان حال که قسوات و بیرحمی پاسداران نظام ستم گراند حاکم بر ایران را نشان می دهد، اعتقاد خل ناپذیر سازمان ما و رفقای ما را به سوسیا لیسم، حقانیت و رسالت طبقه کارگر و مبارزه آشتبانی ناپذیریبا نظم سرمایه داری را نشان می دهد. رفقای جان باخته فدائی ما در عمل نشان دادند که به خاطر پیروزی اهداف و آرمان های خود محکم و استوار تا پای مرگ ایستاده اند. این استواری در مبارزه الهام بخش میلیونها انسانی خواهد بود که برای برانداختن نظام سرمایه داری و ایجاد جامعه ای کمونیستی، جامعه ای بدون طبقات، جامعه ای متشکل از انسانهای آزاد و برابر مبارزه می کنند.

در ۲۵ اسفند روز شهداي سازمان، مبارديگر به این قهرمانان شکست ناپذیر درود میفرستیم و بارديگر بعهد و پیمان خود در مبارزه برای پیروزی طبقه کارگر و سرنگونی نظام سرمایه داری تاکید می کنیم.

خبرگزاری جهان

آکسیون سراسری برای نجات جان مومنی ابوجمال

مجددا زمان تعیین سرنوشت مومنی ابوجمال مبارزه پیشنهادی که بیش از ۲۰ سال است در "راهروی مرگ" زندان ایالتی پنسیلوانیا به انتظار اجرای حکم اعدام نشسته است، رسیده است. دادگاه عالی آمریکا باید پاسخ استیناف حکم اعدام وی را صادر کند. در اوائل فوریه، یک هیئت بین المللی مرکب از نمایندگانی از پارلمانهای اروپائی، اتحادیه های کارگری و سازمانهای حقوقی با مقامات وزارت دادگستری آمریکا دیدار نموده و وزیر دادگستری آمریکا خواستند که هرچه سریعتر بخواست اینفای حکم اعدام که کارها را از روز بعد آغاز کنند. هرچند کارگران به سر کارهای خود باز گشته و مقامات دولت اعلام نمودند که کار خصوص سازی و تجزیه راه آهن دولتی این کشور به ۹ شرکت خصوص بدون وقفه ادامه خواهد یافت، اما کارگران اعلام نمودند که مبارزه آنها ادامه داشته و در هر فرصتی برای امنیت شغلی، توقف خصوصی سازیها و افزایش دستمزدها، مبارزه دهها شهر آمریکا و اروپا گردیده آمده و از افکار عمومی جهان خواستند که اجازه ندهند مومیا ابوجمال به طبقه کمپین بین المللی برای آزادی مومیا در این روز ۱۹ فوریه را روز آکسیون جهانی برای وی اعلام نمود. درین روز هزاران نفر در همه شهرهای آمریکا و اروپا گردیده آمده و از افکار این روز ۲۲ فوریه هم زمان با سومین اعتراض یک روزه معلمان رومانی، هزاران نفر از کارگران صنایع دفاع، معدنچیان مناطق مختلف و کارگران شاغل در بخش دولتی این کشور نیز برای بهبود شرایط کار، امنیت شغلی، توقف اخراجها و افزایش دستمزدها دست به یک اعتراض یکروزه زدند.

اعتراض کارگران صنایع تسلیحات در رومانی

دهها هزار کارگر صنایع تسلیحات در رومانی در اعتراض به تعطیل کارخانجات و عدم پرداخت دستمزدها، روز ۲۹ فوریه دست از کار کشیدند و به راه پیمائی در بخارست پرداختند.



زنده باد همبستگی بین المللی کارگران سراسر جهان

اما مقامات دولت در وقت از گسترش موج اعتراضی کارگران، تنها پس از ۴ روز، اعتراض کارگران را به حکم دادگاه غیر قانونی اعلام نموده و هرگونه اعتراضی از سوی کارگران را تا ۴۵ روز ممنوع ساختند. پس از ایجاد این دوره، کارگران منتظر تصمیم دولت در مورد دستمزدهای خود بودند، که وزیر راه و ترابری اعلام نمود که در سال ۲۰۰۰ نیز هیچ خبری از افزایش دستمزدها در میان خواهد بود. با اعلام این خبر بود که کارگران روز ۲۸ ژانویه کارها را به مدت نامعلوم تعطیل نمودند. اینبار نیز مقامات دولت به فوریت دست به کار شده و با پارهی ماشین سرکوب قضائی، مجددا این اعتراض را غیر قانونی خواnde و کارگران را وارد نمودند که کارها را از روز بعد آغاز کنند. هرچند کارگران به سر کارهای خود باز گشته و مقامات دولت اعلام نمودند که کار خصوص سازی و تجزیه راه آهن دولتی این کشور به ۹ شرکت خصوصی بدون وقفه ادامه خواهد یافت، اما کارگران اعلام نمودند که مبارزه آنها ادامه داشته و در هر فرصتی برای امنیت شغلی، توقف خصوصی سازیها و افزایش دستمزدها، مبارزه دهها شهر آمریکا و اروپا گردیده آمده و از افکار عمومی جهان خواستند که اجازه ندهند مومیا ابوجمال به طبقه کمپین بین المللی برای آزادی مومیا در این روز ۱۹ فوریه را روز آکسیون جهانی برای وی اعلام نمود. درین روز هزاران نفر در همه شهرهای آمریکا و اروپا گردیده آمده و از افکار این روز ۲۲ فوریه هم زمان با سومین اعتراض یک روزه معلمان رومانی، هزاران نفر از کارگران صنایع دفاع، معدنچیان مناطق مختلف و کارگران شاغل در بخش دولتی این کشور نیز برای بهبود شرایط کار، امنیت شغلی، توقف اخراجها و افزایش دستمزدها دست به یک اعتراض یکروزه زدند.

دهها کارگر مهاجر در اسپانیا توسط راسیست ها زخمی شدند

در اوائل سال جاری درنتیجه حمله وحشیانه نیروهای دست راستی به کارگران مهاجر، حدود ۳۰ کارگر در شهر Eleyedo واقع در جنوب اسپانیا به شدت مجروح شدند. سر انجام نیروهای دست راستی با گسیل ارادل و اویاش خانه کارگران مهاجر، مغازه های متعلق به خارجی ها و ماشین ها را به آتش کشیدند. شدت وダメانه این حملات به حدی بود که صدها تن از اهالی مهاجر که غالبا مراکشی اند برای نجات جان خود به پلیس پناهنده شدند اما نیروهای پلیس نه تنها به دستگیری حمله کنندگان اقدام نکردند بلکه سه روز تمام با عدم حضور در محل درگیری، دست مهاجمین را در ضرب و شتم و حمله به کارگران، باز گذاشتند. نقش پلیس در این ماجرا به رسوائی کشید و از سوی برخی مقامات دولتی موردن انتقاد قرار گرفت. یکی از مسئولین اتحادیه کارگری اسپانیا، وقوع این درگیری و حمله به کارگران مهاجر را به "ردپای هایدر تشبیه کرد. "هایدر" رهبر حزب دست راستی در اتریش است که در ائتلاف با دمکرات مسیحی ها در اتریش به حاکمیت رسیده است.

برخورد دولت شوراها به مسئله زن

شعری از تسلیمه نسرين

شاعر بنگلادشی که سال ۹۴ ازوی مسلمانان به مرگ محکوم شد.

نورجهان (*)

«نورجهان» را ودار کردند داخل گودالی در میان میدان بایستد او آنجا ایستاد، تاکم فورونه در گودال، باسری آویزان آنها به نورجهان سنگ پرتاب می کنند، سنگ ها به پیکر من می خورند.

سنگ ها به سرم می خورند، به پیشانی ام، به سینه ام و به پشت

آنها سنگ می اندازند و بلند می خندند
می خندند و به فریاد فحش می دهند.

از پیشانی چاک برداشته نورجهان خون می ریزد،
از پیشانی من هم:

چشمان نورجهان ترکیده، چشمان من هم.
بینی نورجهان له شده، بینی من هم.

در سینه پاره پاره نورجهان قلیش سوراخ شده،
قلب من هم.

آن سنگ ها، آیا به تو نمی خورند؟
آنها بسیار بلند می خندند و حل مستله

خنده ریش هایشان را می لرزاند.
آنها می خندند و چوب دستی هایشان را تکان می دهند.

از چله بی رحم چشمانتشان، تیرها سرعت میگیرند
برای سوراخ کردن بدن نورجهان بدن من هم

این تیرها، آیا به تو نمی خورند.

*- نورجهان زنی بنگلادشی بود که در سال ۹۳ ازدواج دومنش ازوی ملی محل «عیر شرعی» خوانده شد و سنتکار گردید.

داری فرزند و کار روزمره به اشتغال بپردازند. اما به موازات گسترش معضلات اقتصادی از تعداد این مراکز کاسته شد. نشریه «زن کارگر» در سال ۱۹۲۳ در مقاله‌ای از تاثیرات منفی «نپ» بر وضعیت زنان چنین می نویسد: "با محدود شدن تعداد مراکز عمومی، زنان روز بروز به لحاظ اقتصادی بیشتریه مردان وابسته میشوند. زنان ازاولین قربانیان این سیاست‌اند". (۵) در نتیجه این محدودیتها طی سالهای ۲۹-۱۹۲۸ ظرفیت مراکز نگهداری کودکان به ۱۹۴۳۸۶ کاهش یافت. (۶) بدین ترتیب اقدامات بلند مدتی که دولت شوراها به منظور تحقق برابری واقعی زن و مرد پیشاروی خود گذارده بود، در مواجهه با معضلات اقتصادی و سیاسی امکان پیشروعی نیافت. در این دوره حتی لایحه و پیشنهادات اصلاحات قانونی نیز از دستور کار خارج میشد.

به ررو آنچه مسلم است این که اقداماتی که در سالهای اولیه انقلاب اکتبر در زمینه برابری حقوقی زنان صورت گرفت، دستاوردهای گران بهائی به همراه داشت. اما وجود معضلات اقتصادی، جنگ داخلی، کم بهله دادن به تداوم اقدامات اساسی جهت رفع هرگونه تبعیض از دامنه تغیرات کاست و روند آن را مختل نمود.

زیر نویس ها:

۱_ کمونیسم و خانواده _الکساندر کولنتمی

۲_ زندگی و آثار کولنتمی _الکس هالت

۳، ۴، ۵ و ۶_ جنبش کارگری و زنان _ مالیم، هالت، هیلتین.

آور و غیر مفید خانگی از دست و پای زن گسته شود. امر نگهداری از فرزندان، شست وشو و آشپزی که سنتا به زن واکذار شده بود، به جامعه واکذار شود تا زن فارغ از این امور به کارتوولیدی اجتماعی پردازد. به لحاظ نظری کادرهای حزب از جمله لنین، کولنتمی، اینسای آرماند و سمیرنوف از ایده اجتماعی کردن کار خانگی دفاع کرده بودند. در سال ۱۹۱۹ اجتماعی کردن کارخانگی در قوانین گنجانیده می شود. از مژدهای کودک و رختشوی خانه های عمومی نگهداری کودک و رختشوی خانه های عمومی برآه اندخته شوند تا زن از چهار دیواری خانه رها و به اجتماع کشانده شود.

تحقیق این ایده در عمل با مشکلات متعدد توانم بود که مهم ترین آن معضل اقتصادی بود. گذشت زمان نیز بر ابعاد مشکل اقتصادی می افزود. این امر هنگامی که سیاست نوین اقتصادی (نپ) به مورد اجرا در آمد، تاثیرات خود را بربیشبرد اجتماعی کردن کارستتا زنانه در خانه گذارد. از جمله دیگر موانع تحقق این ایده، مسئله بینشی در میان برخی از اعضاء کادرهای حزب بود که اساساً اجتماعی کردن کار خانگی را نادرست می دانستند و حل مستله را به چارچوب خانواده محلی می پرداخت تا عده معتقد بودند که زن و شوهر باید در چار چوب خانواده به تقسیم وظایف بپردازند و آن را به دوش جامعه نیاندازند. در نوشته ها و مقالات کولنتمی بکرات به این دیدگاه ها اشاره می شود. بطور مثال در کتاب کمونیسم و خانواده، او به انتقاد از آن دسته از اعضای حزب می پردازد که از "مساوایت کار بین زن و شوهر در خانواده" دفاع می کنند. انتقاد دیگری که به ایده اجتماعی کردن کار خانگی وارد می شد، حفظ نقش سنتی زن در انجام کارهای سنتی زنانه بود. از جمله طرح ها و پیشنهادات در زمینه اجتماعی کردن کار خانگی عبارت بود از، در گیر نمودن زنان در مراکز عمومی رختشوی، آشپزخانه و مراکز نگهداری کودکان. انتقادی که بر این نظر وارد بود، نگهداشتن زن در زمینه های بود که همواره اسید آن بوده اند. در پاسخ به این انتقاد، کولنتمی و کروپسکایا و ایسا آرماند، اولویت را به مشارکت اجتماعی زن میدهند و نه رشتانی که در آن مشغول بکارند. به اعتقاد آنها مهمتر این است که زن ابتدا به کار اجتماعی جلب شود تا از محدوده تنگ فردی و خانواده خود رها شود. آنها از پروسه بعلی و آرام جذب زنان به فعالیت اجتماعية دفاع میکردند. به طور مثال سمیرنوف با تحقیق در باره مشارکت دختران در سازمان جوانان کمونیست نشان میدهد که روند طبیعی تراهن است که زنان نخست به کار جمعی روی می اورند و پس از آن جهت گیری از رشته های سنتا زنانه به سوی رشته های صنعتی صورت میگیرد. طبق تحقیقات سمیرنوف، های سنتا زنانه خیاطی، بهداشتی، آشپزی و هنرهای دراماتیک علاوه و تمایل نشان میدادند. از طرف دیگر تا آنجا که امکانات مالی و حرفه ای دولت شوراها اجازه میداد مراکز عمومی برآفتد. در سال ۱۹۲۳، ۹۰ درصد پرسنل این مراکز زنان بودند. (۴) وجود این مراکز موجب شد عده کثیری از زنان فارغ از مشکلات نگه

با وقوع انقلاب اکتبر در روسیه و قدرت گیری دولت شوراها گام های اساسی در زمینه حقوق برابری واقعی بروز کرد. اقداماتی که در دستور کارشوراها قرار گرفت بروز دسته تقسیم می شوند: اقدامات فوری و اقداماتی که نیازمند برنامه های دراز مدت بودند.

دولت شوراها در اولین گام، برابری زن و مرد در قوانین را به مورد اجرا گذاشت. تعیین برقایه، جنسیت در قوانین ملغی شد. قوانین خانواده، طلاق، ازدواج و اشتغال، حقوق برابر زن و مرد را تامین نمود و بدین وسیله بند تعیین قانونی از دست و پای زن گسته شد. یکی از این موارد قانون طلاق بود. قانون طلاق مصوب ۱۹۱۷ دسامبر تحویل بزرگ محسوب میشود، چرا که در روسیه تزاری حق طلاق عملاً از آن شروع نمی شد. چنانچه زن کارگری تصمیم به طلاق داشت در گیربرکراسی عربیض و طویلی میگردید. او می باشد به جم آوری افضل و تهیه استشهاد محلی می پرداخت تا تقاضای طلاق نماید. انجام این امر ماه ها و بعض سالها به درازا میکشید. اما پس از انقلاب اکتبر قانون طلاق جدید با در نظر گرفتن حق برابری زن، پروسه طلاق را به یک هفت تقیل داد. (۱) مرخصی دوران بارداری وزایمان در قانون منظور شد و منوعیت کار زنان در رشته هایی که برای سلامت آنها و فرزندانشان مضر است، منع گردید.

علاوه بر رفع تعیین حقوقی، دولت شوراها اقدامات دیگری را آغاز نمود. از جمله ظرف مدت کوتاهی به ایجاد و گسترش مراکز بیداشتی و درمانی برای زنان پرداخت و به احداث مهد کودک و کودکستان ها اقدام نمود. با گذشت ۴ سال پس از انقلاب اکتبر تعداد مهد کودکها به ۲۰ هزار افزایش یافت. این در حالی بود که در سال ۱۹۱۳ تنها ۱۹ مرکز نگهداری از کودکان و ۲۵ کودکستان خصوصی وجود داشت. در همین فاصله، ۷ هزار مرکز بهداشتی و درمانی برای زنان و کودکان احداث شد که نیمی از آن در مناطق روستایی بودند. (۲) کاردرمیان زنان کارگر یکی دیگر از جنبه های بود که بلا فاصله پس از انقلاب اکتبر موردن توجه کارها و اعضاء حزب قرار گرفت. در سال ۱۹۱۸ شریه Rabotnitsa (زن کارگر) هدف سازماندهی و جذب زنان کارگر منتشر شد. در این شریه زنان کارگر مشکلات خود در محیط کار، نارسائی های قانونی، بیکاری را بازگو می کردند. تیراز این شریه ظرف ۹ سال به ۱۵۰ هزار نسخه افزایش یافت. (۳) بهرور مجموعه اقداماتی که دولت شوراها پس از روی کار امدن به فوریت به انجام رساند، فراتر از کلیه دست آوردهایی بود که زنان در جمیع سرمایه داری به دنبال مبارزات خود به آنها دست یافته بودند. گام بعدی دولت شوراها برنامه ریزی اقدامات بلند مدتی بود که زمینه مشارکت اجتماعی زن را مهیا سازد. این امری به غایت پیچیده، دشوار و پرخرج بود. دولت شوراها با کوهی از مشکلاتی روبرو بود که از جامعه طبقاتی به ارث رسیده بود. اساساً این معضلات در نقش سنتی بود که طی تاریخ به زن در خانواده داده شده بود. برای جذب زنان به کار اجتماعی، ضروری بود که قید و بند کارکسالت

گفتگوی نشریه کاربا رفق پروین نیک آئین عضو کمیته اجرائی سازمان در مورد جنبش زنان

چکمه پاسداران و بسیجیها و ماموران امر به معروف و نهی از منكرقرار دارد، زنان آنها را عقب گذاشت که انگشت به دهان ماندهاند. جالب است بدانیم عباس عبیدی در مصاحبه ای با نشریه زنان درپاسخ به این سوال که روشنفکران دینی چه برنامه ای در رایطه با زنان دارند، اعتراف کرد که "اصلاح طلبان" هیچ برنامه‌ای در این زمینه ندارند و فعلاً از خیر این جنبش گذشتند. او گفت: "روشنفکری دینی با دو مسئله اصلی مواجه است. یکی دمکراسی و حق حاکمیت مردم و دیگری اندیشه دینی و حواشی آن... این جریان در شرایط کنونی، برای حل دو مسئله فوق با مسائل فوری تر و کلان تری روپرداخت که فارغ از مفهوم جنسیت است... و تنها پس از کذر از این کلیت می‌توان با مسئله زن مواجه شد. لذا تصور نمی‌رود که جریان روشنفکری دینی بر طرح مسئله زن اصرار کند و بخواهد با آن مواجه شود." (زنان - شماره ۵۸)

جنبش زنان ایران جنبشی است علیه ستم جنسی و قواعد و قوانین مذهبی. تحقق مطالبات فوری این جنبش مستلزم جدائی کامل دین از دولت است. بنابراین باید تمام قوانین و مقررات موجود لغو شوند و قوانین جدیدی وضع شوند که عاری از جنسیت گرائی و روح مرد سالاری باشد. قوانینی که برای زنان با مردان را در تمام سطوح زندگی اجتماعی و فردی به رسمیت بشناسند. قوانینی که حق زن را بر جسم و جان خویش رسمیت بخشدند و اختیار جسم و جان او را به پدر، برادر و شوهرش نسپارند. قوانینی که به موجب آن، مامور دولت یا آخوند و کشیش و خاکام برای زن تصمیم نگیرند. هیچکدام از جریانات بورژوازی اپوزیسیون ایران از چنین مطالباتی حمایت نمی‌کنند، هیچکدام مدافعان جدائی کامل دین ازدولت نیستند. آنها در بهترین حالت از تلفیق پوشیده دین و دولت دفاع می‌کنند و حقوق زنان را تا آنجا به رسمیت می‌شناسند که با "شرع انور" و "سنن و فرهنگ" جامعه، یعنی سنن و فرهنگ زن سنتی جامعه مردسالار در تضاد نباشد.

خلاصه بگوییم، جریان‌های سیاسی مختلف ناگزیرند به جنبش زنان بپردازند و از نقش زنان سخن بگویند چرا که این جنبش با گستردگی تمام پیش روی آنهاست و اینجا آنچه قدرت اش را به رخ می‌کشد. اما آنها متناسب با منافع طبقاتی و سیاسی‌شان به این جنبش برخورد می‌کنند. یکی از جریانات بورژوازی به آن روی خوش نشان می‌دهد تا مهارش کند، دیگری که در اپوزیسیون است با وعده و عیید، می‌خواهد از این جنبش برای مقاصد سیاسی‌اش استفاده کند. اما جنبش زنان تنها در اتحاد با جنبش طبقاتی کارگران است که می‌تواند به اهداف خود دست یابد.

پرسش — نقش تشکل های وابسته به رژیم در این مورد چیست؟ آیا تشکل های زنان مستقل از جناح های حکومت پاگرفته‌اند؟

پاسخ — در مجموع می‌توان گفت تشکل های وابسته به رژیم اساساً برای زنان مطرح نیستند. زنان به آنها توهی ندارند، آنها آنقدر افسا شده و آبرو باخته اند که نمی‌توانند نقش بازدارنده ای هم در برابر زنان ایفا کنند. تشکل های دولتی موسوم به "سازمانهای غیر دولتی زنان" نیز بیشتر مصرف خارجی دارند. آنها برای شرکت در مجامع بین المللی، آرایش چهره بیرونی جمهوری اسلامی، و گرفتن دلارهای امریکائی از سازمان ملل و تهادهای مشابه مورد استفاده قرار می‌گیرند. در مجموع اوضاع به نحوی است که هرفرد یا جناحی از رژیم بخواهد به جنبش زنان نزدیک شود، اول باید به میزان زیادی — حتی درحرف از حکومت فاصله بگیرد. و میدانیم که قدرت مانور حافظان جمهوری اسلامی بویژه برسر مسئله زنان چقدر محدود است، آنها واقعاً در فاج کامل بسر می‌برند!

در سال‌های گذشته علیرغم سرکوب و خفغان، زنان آگاه و مترقی همواره تجمعات خود را داشتند که غالباً به شکل تجمعات دوستانه و محدود بوده و در سال‌های اخیر با فضایی که کل جنبش تودهای در جامعه ایجاد کرده، قدری این تجمعات بیشتر و گستردگر شده‌اند. شاید بتوان گفت اینجاو آنچه جواندهای تشکل های مستقل زنان به چشم می‌خورد. اما شکل گیری آنها در سطح سراسری، منوط به رشد و توامندی بیشتر جنبش عمومی تودهای برای آزادی و دمکراسی است.

اسلام بر زنان اعمال می‌شود، اما این را نیز نشان میدهد که روایه اعتراض به شدت گسترش می‌یابد. اینها اشکالی از مبارزه و مقاومت دربرابر آن روابط غیر انسانی و زن سنتی است که عرصه را در درون خانواده‌برزن و دختران تنگ کرده است. خودکشی و خود سوزی هم شکلی از بیان اعتراض است، هرچند مایوسانه و بی‌چشم‌انداز. حرکت دانشجویان دانشگاه فاطمیه قم را که نزدیک به ۲ ماه است آغاز شده و به اشکال مختلف از اعتصاب، تظاهرات، تحصیل و اشغال دانشگاه ادامه یافته و هم اکنون نیز به صورت تحصیل در برایر دفتر شورای عالی انقلاب فرهنگی ادامه دارد، میتوان نقطه مهمی در مبارزات زنان ایران علیه قوانین زن سنتی حاکم و آپارتايد جنسی قلمداد کرد. سرخستی این دانشجویان در رسیدگی به خواستهایشان نیز نشانه ای از این واقعیت است که جنبش زنان علیه ستم جنسی چه نیروی عظیمی را طی دو دهه اخیر متراکم کرده است.

نقه قوت جنبش زنان ایران، گستردگی آن است. این جنبشی است به وسعت سراسر ایران، در هر خانه، در هرداراره، کارخانه و مزرعه و مددسه و دانشگاهی رد پای این جنبش به روشنی نقش بسته است. اما در عین حال این جنبشی است بی‌شكل، و بدون سازمان که گرچه روشن است علیه ستم جنسی وبرای برایر است، اما اهدافش فرموله روشن و مشخص نیست. بنابراین بالقوه می‌تواند دستخوش حوادث سیاسی شود، به این سو و آن سو کشیده شود و حتی در مقاطعی توسط نیروهای ارتجاعی علیه اهداف اولیه‌اش بکار گرفته شود. مضافاً اینکه زنان بنا به پایکاه طبقاتی شان منافع متفاوتی را حامل هستند. بنابر این وظیفه عاجل فعلان چپ جنبش زنان است که به تشکل یابی، و دست یابی این جنبش به خواستهای صریح و روشن مدد رسانند. هر قدر این جنبش (بویژه بخش رادیکال آن که مبارزه علیه ستم جنسی را فراتر از تغییرات حقوقی و روبنائی می‌بیند و حاضر است مبارزه را تا دست بردن به بینان های جامعه موجود بسط دهد) متشکل‌تر باشد و هرقدر مطالباتش روشن‌تر بیان شود، چشم انداز پیروزی اش بیشتر می‌شود.

پرسش — جریان‌های سیاسی مختلف هریک از دیدگاه خود از نقش زنان در تحولات سیاسی اخیر می‌گویند، نظر شما چیست؟ و اصولاً بر بستر کدام زمینه‌های است که صحبت کردن از جنبش سیاسی اخیر، بدون نام بردن از زنان غیر ممکن شده است؟

پاسخ — همانگونه که در پاسخ به سؤال قبل گفتم، جنبش زنان علیه ستم جنسی به وسعت سراسر ایران گسترده است، به نحوی که هیچ نیروئی نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد. از این رو تمام نیروهای سیاسی موجود، از درون حاکمیت گرفته تا اپوزیسیون و از چپ گرفته تا راست، از نظر سیاسی با مسئله ای به نام جنبش زنان روبرو هستند. گرچه بسیار ازین نیروها، یعنی اغلب جریانات بورژوازی اعتقادی به جنبش زنان ندارند و خواهان تغییر و تحولی هم نیستند، اما به هر حال ناگزیرند به آن بپردازند و روی آن حساب کنند. این البته پیروزی بسیار بزرگی برای جنبش زنان ایران است که در این حد، خودش را به تمام نیروهای سیاسی تحمیل کرده، به نحوی که امروز مسئله زن ورد زبان همه شده. اما صرفنظر از اینکه جریانات سیاسی مختلف در حرف چه بگویند، در عمل مسئله به این شکل است که بنا بر خصلت جنبش زنان ایران علیه ستم جنسی و گستردگی آن، و ریشه‌هایی که در مسائل بینانی جامعه دارد، جریانات بورژوازی در مقابل آن علاً خلع سلاح‌اند. اول از همه این جنبش تکلیف‌آش با جریانات مذهبی کاملاً روشن است. این مسئله هم شامل جناح دوم خداد می‌شود و هم مجاهدین خلق که اپوزیسیون آن هستند. "اصلاح طلبان" اسلامی که از چند سال قبل بی‌الرحم مجهور اسلامی به مشامشان خورده بود، سعی کردند با طرح قرائت های به اصطلاح نو از اسلام، حکومت اسلامی را برای مردم موجه و خواستنی کنند. در زمینه بخورد به مسئله زن، نهایت چیزی که اینها می‌توانستند بگویند، آنچه به "فینیسم اسلامی" موسوم است، و تبلیغات نشریه "زنان" بود. اما آنها هنوز فرست نکرده بودند قرائت های جدیدشان از صیغه و حجاب و سنگسار را تبیین کنند که جنبش زنان به سرعت آنها را پشت سر گذاشت. اینها امروز واقعاً به فلاکت افتاده‌اند. تا خواستند زنان را به این دلخوش کنند که کاکل‌شان از روسربیرون باشد، جنبش زنان گرچه زیر

زنانی که در ایران امروز از ستم جنسی رنج می‌برند، متعلق به طبقه کارگر واقشار زحمتکش هستند. برابری حقوق صرف، برای آنها عین نابرابری است. آنها مادام که استقلال اقتصادی به دست نیاورده‌اند، برده خانگی و کنیز جنسی مرد هستند. اگر رهائی زنان را فراتر از دست یابی به امکاناتی که مردان در جوامع سرمایه‌داری از آن برخور دارند، بدانیم، و برابری واقعی زن و مرد نظر باشد، انقلاب سو-سیالیستی پیش شرط ضروری رهائی زنان است. اما خطاست اگر تصور کنیم که با انقلاب سوسیالیستی، مسئله زن بطور اتوماتیک و خود بخود حل می‌شود و ستم جنسی برزن پایان می‌یابد. انقلاب سوسیالیستی پایه‌های اقتصادی ستم کشی زنان را ویران می‌کند اما محظوظ جنسی و دست یابی به جامعه ای که در آن زن و مرد انسان‌های آزاد و آگاهی هستند که مستقل و آزادانه به روابط اجتماعی و خصوصی شکل می‌دهند، منوط به مبارزه بی‌وقبه و طولانی فرهنگی است تا رسوبات هزاران ساله سنت ارتجاعی و پیشداوری‌های مذهبی، جنسی و طبقاتی را از اذهان بزایید و مردان، و نیز زنان را متتحول سازد.

جنبش زنان ایران علیه ستم جنسی درمسیری که تا پیروزی نهائی در پیش دارد، متخد جنبش طبقه کارگر وسایر جنبش‌هایی است که علیه ستم مبارزه می‌کنند.

زنان ایران در انقلابات و تحولات سیاسی قرن گذشته ایران، نیروی فعال تحولات بوده‌اند و فداکاریها و جانشانی‌های بسیاری کرده‌اند. بدون شک در انقلاب آتی نیز زنان نقش بسیار فعالی خواهند داشت. اما یک مسئله انقلاب پیش رو را از گذشته تمایز می‌کند؛ زنان این پاربا مطالبات خاص خود در انقلاب شرکت می‌کنند و مهر خود را بر آن خواهند کرد.

پرسش_ اگر مطلب دیگری دارید مطرح کنید.

پاسخ_ با امید به رهائی زنان، ۸ مارس را به زنان ایران، و به مردانی که علیه ستم و استثمار مبارزه می‌گوییم و از فرستی که به من دادید، متشکرم.

اطلاعیه

در تظاهرات مردم شوش و شادگان
دهها تن کشته و زخمی شدند

دراعتراض به انتخابات قلابی و فرمایشی رژیم جمهوری اسلامی، هزاران تن از مردم شههای شوش و شادگان در استان خوزستان روز شنبه دست به تظاهرات زدند. مددگران نیروی انتظامی، پیاده و بسیجی، مردم را در این هدو شهربازگان شدند که تیجه این اتفاقات و شهادت شهیدان این اتفاق را از کشته زخمی شدند. مردم شادگان با برپانی تظاهرات و سرداران شعارهای اعلیه مقامات دولتی در برابر فراماده این شهرو توجه نمودند و به انتخابات قلابی احتراض نمودند. مددگران سرکوبی رژیم، مردم را به کلنه بستند. برطبق اخباری که در روزنامه‌های رژیم انتشار یافته است، لاقل ۲۰ نوجوان ۱۴۰۰، سال ۱۸ و سال ۱۶ به قتل رسیدند. و دهها تن رخیز به پیمارستانها انتقال پذیرفتند از جنوب شرقی آنها اطلاعی در دست نیست. در پی این اقدام نیروهای سرکوب، مردم شکنکنن می‌ساختند و دولتی از جمله جهاد سازندگی، مبارکات، فراری، کیمیه اراده، امنیت از امنیت مراکز پیرامون انتظامی، بانکها و تعدادی از امنیت‌ساز دولتی را مورد حمله قراردادند و برخی رایه کشیدند. در همین روز مردم شوش نیز در اعتراض به تغایر احیان خواهانی خواستار به سوی خواهان‌الله مقررات زدند. در اینجا نیز مددگران دولتی به سوی تظاهر کنندگان آتش کشیدند که بزرگ‌ترین میزان خسارت را بر جانشان زدند. همچنین در یک کلام آنها خواهان‌الله مقررات نفت پار جانشان را نزد مددگران دولتی هستند. داشتگاه امنیتی در میان این میزان طرح می‌کند، در کلیت درست و اصولی هستند. اما باید در هر گام با پیشروی جنبش و با استفاده از تجربه، این مطالبات را مشخص‌تر و دقیق‌تر کنیم. همچنین بنا به اهمیت جنبش زنان در کل مبارزه برای آزادی و سوسیالیسم، باید بطور جدی نیروی بیشتری به آن اختصاص دهیم.

پرسش_ دست آوردها و تجارب جنبش چپ در رابطه با مسئله زن طی دوره‌گذشته کدامند؟

پاسخ_ انقلاب ۵۷، شکست این انقلاب و حاکمیت جمهوری اسلامی تجارب با ارزشی برای نیروهای چپ در برداشته است. امروز جنبش چپ درک بسط یافته و همه جانبه تری از اهمیت مبارزه برای دمکراسی، و رابطه متقابل میان دمکراسی و آزادی زنان دارد. حاکمیت جمهوری اسلامی و مبارزات زنان طی دو دهه گذشت، جایگاه مبارزه علیه ستم جنسی را در کل مبارزه برای دمکراسی و سوسیالیسم نشان داد. سال پیش درک محدود جنبش چپ از اهمیت مبارزه برای دمکراسی رابطه این مبارزه با جنبش برابری زنان سبب شد چپ در مقابل تهاجم جمهوری به زنان واکنش مناسب را نشان نهاد. این امر علاوه بر اینکه بر مبارزه چپ تاثیر منفی گذاشت، به سرخوردگی بخشی از فعلان دمکراسی و سوسیالیسم نیست، جزئی از این مبارزه است. این اتفاقاً آن بخشی از مبارزه چپ از این مبارزه، غیرقابل چشم پوشی آن است. این بخشی از مبارزه دمکراسی و سوسیالیسم است که بر کل پروسه، تاثیر مثبتی بر جای می‌گذارد. مبارزه علیه ستم جنسی از آنجا که هم در عرصه فرهنگی و هم در عرصه اقتصادی به اعماق جامعه طبقاتی دست میرسد و دیرپاپرین باورها و سنت را به چالش می‌طلبد، نقش بسیار مهمی در دمکراتیزه کردن روابط اجتماعی و فردی انسانها دارد. به این مسئله، باید درک همه جانبه تری از ستم جنسی را افزود. بدون تجارت دوده گذشته، علیرغم اینکه در تئوری، چپ به وجه مختلف مبارزه علیه ستم جنسی باور داشت، اما در عمل اساساً یا عمدها به آن بخش از مسائل زنان توجه می‌شد که زنان در فرآیند تولید با آن دست به گریبانند. امروز درک چپ از اعاده گوناگون ستم جنسی دوده گذشته بدان دست و همه جانبه شده است. این تجربیاتی است که چپ طی دوده گذشته بدان دست یافته است. ولی این که نتایج حاصل از این تجربیات تا چه حد در مبارزه عملی پیشاروی به کار گرفته شوند، به میزان زیادی در گرو نقشی است که فعلان جنبش زنان در جنبش چپ ایفا کنند.

پرسش_ نقش زنان در سازمان را، و برخورد سازمان را به مسئله زن و مطالبات زنان چگونه می‌بینید؟

پاسخ_ از ابتدای شکل گیری سازمان بسیاری از زنان که آمال و ایده‌آل‌های خود را در اهداف و مبارزه سازمان متبیلور میدیدند. برای مبارزه در راه دمکراسی و سوسیالیسم به سازمان پیوستند. چه در دهه ۵۰ و قبل از انقلاب، و چه پس از انقلاب ۵۷، بخش قابل توجهی از اعضاء، فعلان و هواداران سازمان را زنان تشکیل می‌دادند. اگر چه هنوز تا مشارکت برابر زنان در ارگانهای تصمیم‌گیرنده از عملیاتی در اوائل راه درازی در پیش است، اما از شرکت در تیم‌های عملیاتی در میان مطالبات‌دانشگاهی این تیم‌ها، شرکت در ارگانهای پنجاه گرفته، تا درمواردي فرمادنی این تیم‌ها، شرکت در ارگانهای تصمیم‌گیرنده سازمان پس از قیام، بويژه پس از انشعاب اکثریت، شرکت در رهبری و مسئولیت در رده کمیته‌های تاثیر گذار بر حیات سازمان، زنان همواره نقش بارز و تاثیر گذاری داشته‌اند. مطالباتی که سازمان در رابطه با جنبش زنان طرح می‌کند، در کلیت درست و اصولی هستند. اما باید در هر گام با پیشروی جنبش و با استفاده از تجربه، این مطالبات را مشخص‌تر و دقیق‌تر کنیم. همچنین بنا به اهمیت جنبش زنان در کل مبارزه برای آزادی و سوسیالیسم، باید

پرسش_ سؤال آخر اینکه جنبش زنان علیه ستم جنسی چگونه می‌تواند به پیروزی برسد و رابطه‌اش با سایر جنبش‌ها چیست؟

پاسخ_ همانگونه که قبلاً اشاره کردم، برای زنان با مردان در چهار چوب روابط اجتماعی اقتصادی موجود نیز مستلزم لغو کامل تمام قوانین تبعیض آمیز و آغشته به فرهنگ و معیارهای جامعه مرد سالار و زن سنتی کنونی است. این خانه تکانی فرهنگی و سیاسی، امری ضروری و عاجل است و راه را برای پیشروی های بعدی جنبش زنان خواهد گشود. اما این حد از برای بیرونی - همانگونه که تجربه کشورهای پیشرفته سرمایه داری نشان داد - نه حتی بطور کامل در چهارچوب نظام موجود قابل تحقق است و نه ازدید بخش اعظم زنانی که علیه ستم جنسی مبارزه می‌کنند، کافی و پاسخگوست. بخش اعظم

سروکون باد رژیم جمهوری اسلامی

برقرار باد حکومت شوائی
سازمان فدائیان (اقایت) - ۱۳۷۸/۱۲/۱
کار- فن - آزادی - حکومت شوائی

سروکون باد رژیم جمهوری اسلامی
برقرار باد حکومت شوائی
سازمان فدائیان (اقایت) - ۱۳۷۸/۱۲/۱
کار - فن - آزادی - حکومت شوائی

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،
نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان
را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

در یکصد و هفدهمین سال درگذشت **مارکس**

خاطره این رهبر کبیر پرولتاریا
را گرامی می داریم .

K.A.R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

I.S.V.W
Postfach 122
Postamt 1061, Wien
Austria

I.S.F
P.B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

M.A.M
Postbox 6416
75139 Uppsala
Sweden

Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

A.A.A
MBE 265
23, Rue L'ecourbe
75015 Paris
France

P.B. 22925
1100 DK Amsterdam
The Netherlands

آلمان

اوپیش

دانمارک

سوئد

سوئیس

فرانسه

هلند

کارگردی مجلس اسلامی تنها کارگران کارگاه هائی را که در آینده ایجاد می شوند از حقوق انسانی خود محروم نمی کند، بلکه هم اکنون ۳ میلیون کارگر کارگاههای کوچک در معرض تاثیج مخرب این قانون ارجاعی قرار گرفته اند. این کارگران نیز تدریجاً مشمول همین قانون می شوند و گروه کثیری نیز بیکار می شوند. تصویب این قانون همچنین مقده ای است برای تعرض به حق و حقوق کارگران کارگاه های بزرگتر و کارخانه ها. این مصوبه موج وسیعی از نارضایتی و اعتراض را در کارگاهها و کارخانه های سراسر کشور پدید آورد. خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار، این ارگان های ضد کارگری حکومت اسلامی کوشیدند جلو اعتراضات کارگران را بگیرند، آنها در اجتماع ۲ تا ۳ هزار کارگری که برای اعتراض در مقابل مجلس گرد آمده بودند، کارگران را به الطاف شورای نگهبان حواله دادند و از این ارگان ارجاعی خواستند که مصوبه مجلس را رد کنند.

اعتراض کارگران به مصوبه ضد کارگری مجلس شورای اسلامی

مجلس شورای اسلامی امسال روز ۸ اسفند تصویب یک قانون شدیداً ضد کارگری نمود و کارگاههای را که ۵ کارگر و کمتر دارد از شمول قانون کار معاف نمود. این مصوبه به معنای محروم کردن میلیونها کارگراز هرگونه حق و حقوق و نظارت قانونی بر کارگاه هاست. از این پس تنها اراده کارفرماست که میزان دستمزد، ساعت کار و اخراج کارگران را تعیین می کند. از این پس کارگران این کارگاهها از همین بیمه های اجتماعی سرودم بریده و ناچیز، از بیمه درمانی، بیکاری و بازنشستگی هم محروم می شوند. از این پس استثمار کارگران این کارگاهها تشديد می شود و درنتیجه حرص و لعل کارفرما برای کسب سود بیشتر و فقدان هرگونه کنترل بر کارگاهها و فقدان هرگونه مسئولیت کارفرما در قبال جان کارگران، سوانح ناشی از کار و مرگ و میر در این کارگاهها افزایش می یابد. با تصویب این قانون گروه کثیری از کارگران بیکاری شوند. تعدادی از کارگاههای موجود کارگران خود را اخراج می کنند تا کارگران جدید که مشمول قانون کار نباشند استخدام کنند. تعداد کارگران آنها از ۵ نفر بیشتر است با اخراج تعدادی از کارگران، خود را از شمول قانون کار معاف می سازند. بنابراین مصوبه ضد

**مواسم ۱۹ بهمن سالروز سیاهکل و بنیانگذاری سازمان
به ابتکار فعالین سازمان در فرانکفورت برگزار شد .
پیام هائی که از سوی سازمانهای سیاسی و دمکراتیک
به این مراسم ارسال شد و نیز سخنرانی رفیق توکل
در این مراسم در شماره آتنی نشریه کار درج خواهد شد .**

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی
زیر واپس و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به
یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایید

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۴۹ - ۶۹ - ۵۹۷۹۱۳۵۷

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

info@fedaian-minority.org

<http://www.fedaian-minority.org>



Organization Of Fedaian (Minority)

No. 335 maart 2000

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت شورائی